

جشن

من



صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی
روابط عمومی: فاطمه محمودی
تحریریه: بهار رازقندی، سهیلاسادات حسینی، فاطمه محمودی، یاسر اصلانی

ماه نامه سایس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: www.sayesman.ir www.totayar.ir

@sayes_man



@totayar.ir

@nashre.tahkim.khanevade



@totayar



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

رایان نامه totayar@iran.ir

Iea.iran@iran.ir

ماهنامه «سایس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام سایس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟. سایس من کیست؟



با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.

انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن

بیانات دیدار اعضای کنگره ملی بزرگداشت ۲۴ هزار شهید تهران



مختلف کشور، به مناسبت‌های مختلف، بنده یا دیگران صحبت کرده‌ایم؛ درباره‌ی تهران، متأسفانه کم صحبت شده، در حالی که تهران را باید نماد بسیاری از خصوصیات ملت ایران دانست؛ واقعاً این جور است. از جمله‌ی خصوصیت‌هایی که از ملت ایران در قضایای انقلاب و آنچه مربوط به انقلاب است آشکار شد، شجاعت ملت ایران، غیرت ملت ایران، دین‌داری ملت ایران، استقلال‌طلبی ملت ایران، دشمن‌ستیزی ملت ایران و غیر اینها است؛ به نظر من، نماد همه‌ی این خصوصیات تهران است؛ یعنی اگر بخواهیم این خصوصیات را در یک جمعی به طور مشخص و با سند مطالعه کنیم، تهران را باید مطالعه کنیم؛ همه‌ی این خصوصیات در اینجا جمع است.

حالا حوادث مربوط به انقلاب یک فصل مُشبعی (۲) است، من هم یک اشاره‌ای عرض خواهم کرد؛ لکن قبل از مسائل انقلاب و پیشامدهای انقلاب، حداقل در این ۱۵۰ سال اخیر — قبلش هم همین جور است، لکن حالا من بیشتر قضایای همین یک قرن و نیم اخیر را عرض میکنم — وقتی مرور میکنیم این قضایا را، برجستگی مردم تهران را بروشنی می‌بینیم. مثلاً فرض بفرمایید قرارداد رویتر که مرحوم حاج ملا علی کنی تهرانی، جلودار مردم، جلوی این قرارداد خائنانه را گرفتند. یا قضیه‌ی تنباکو و قرارداد خائنانه‌ی رژی — آن هم یک قرارداد خائنانه‌ای بود — که در تهران، مرحوم میرزا محمدحسن آشتیانی، ملای بزرگ و درجه‌ی یک تهران، به پیروی از میرزای شیرازی و [فتوای] تحریم ایشان، غوغایی راه انداختند؛ کاری کردند که داخل خانواده‌ی شاه، کلفتها و نوکرها قلیانها را شکستند، تحت تأثیر فتوای [میرزای شیرازی]؛ یعنی حضور مردم تهران پشت سر علما این جور بود. یا بعد از آنها، مسئله‌ی مشروطیت؛ در قضیه‌ی مشروطیت، نقش

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقیة الله في الارضين. خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران و خواهران عزیز. تبریک عرض میکنم ولادت مولای متقیان (علیه الصلاة و السلام) و ولادت حضرت جوادالائمه (علیه السلام) را، و تعظیم و تمجید میکنیم در برابر ارواح طیبه‌ی شهیدان و خانواده‌های مکرم آنها، و همچنین تشکر میکنیم از دست‌اندرکاران این بزرگداشت و این یادبود بزرگ. بنده این نمایشگاهی را که اینجا دوستان ترتیب دادند، دیدم؛ کارهایی که انجام گرفته کارهای خوبی است و آن نکاتی هم که این برادر عزیزمان درباره‌ی تهران و درباره‌ی شهدای تهران و خانواده‌های شهدای تهران بیان کردند، مطالب کاملاً درست و متقنی است. بنده هم چند کلمه درباره‌ی تهران عرض میکنم، یک مطلب هم درباره‌ی شهیدان.

در مورد تهران، کمتر صحبت شده. درباره‌ی شهرهای

مفتّح امام جماعت این نماز بود — که انعکاسش در کشور انعکاس عظیمی بود؛ یعنی ما مشهد بودیم، قضایای تهران منعکس میشد و هر قضیه‌ای که منعکس میشد، یک غوغایی در مناطق گوناگون دیگر به وجود می‌آورد؛ پیشقدمی تهران این‌جوری بود. نماز عید فطر قیطریه، حماسه‌ی هفدهم شهریور در میدان شهدا، راه‌پیمایی تاسوعا، راه‌پیمایی عاشورا؛ این راه‌پیمایی‌ها در جاهای دیگر هم انجام گرفت، اما این را از تهران هدایت میکردند؛ از تهران با خود ما در مشهد تماس گرفتند و گفتند که تاسوعا راه‌پیمایی است، عاشورا راه‌پیمایی است، آن وقت ما آنجا در مشهد آن سازمان‌دهی را ترتیب دادیم؛ [لذا] تهران پیشگام بود.

در همه‌ی این قضایا، در همان ۱۵۰ سال که گفتیم و همچنین در قضایای سال ۵۷، جلوی جمعیت هم علمای دین بودند؛ از امثال حاج ملا علی کنی که اسم آوردیم و مرحوم میرزا محمدحسن آشتیانی و آشیخ فضل‌الله نوری و مانند اینها، تا شهید بهشتی و شهید باهنر و شهید مفتّح و شهید مطهری؛ علما جلو بودند و انبوه اقشار مختلف مردم — از همه جور — پشت سرشان در حال حرکت. حتی دانشگاه تهران؛ دانشگاه تهران محلّ تحصّن علما شد. ما رفتیم نشستیم بحث کردیم که کجا تحصّن بکنیم، چند جای مختلف گفته شد، یک نفر گفت دانشگاه تهران؛ همه تصدیق کردند، بلند شدیم آمدیم چند روز در دانشگاه تهران تحصّن کردیم، تا وقت آمدن امام (رضوان الله علیه)؛ یعنی دانشگاه در خدمت همین حرکت قرار گرفت، باز با مرکزیت علما و پیشگامی علمای دینی.

نکته‌ی مهم در اینجا این است که این کارها در تهران انجام گرفته، اما تهران کجا است؟ تهران چیست؟ تهران همان شهری است که بیشترین تلاش برای تغییر هویت

مردم تهران غالباً گفته نمیشود؛ [تنها] همان قضیه‌ی پلوی سفارت و مانند اینها گفته میشود، در حالی که اینها مسائل بعدی بود؛ اصل مسئله، مطالبه‌ی عدالتخانه بود که مردم تهران در این مسجدجامع و جاهای دیگر جمع شدند، اجتماعات کردند و دنبال عدالتخانه بودند که زحمت هم کشیدند، مشقّت هم کشیدند، کتک هم خوردند، لکن بعد بالاخره منتهی شد به مسئله‌ی مشروطیت. بعد هم آنجایی که مشروطیت داشت دچار انحراف میشد — که شد — قیام مرحوم شیخ فضل‌الله و مردم و رفتن در [حرم] حضرت عبدالعظیم و تحصّن در آنجا و مانند اینها، همه کار مردم تهران بود. تا قرارداد ننگین و وثوق‌الدوله، تا نهضت ملی نفت در [سال] ۱۳۳۰ و تا پانزدهم خرداد و بعد از پانزدهم خرداد تا امروز، هر جا شما قضایای مهمّی و مبارزات اساسی‌ای را در تاریخ ایران در این ۱۵۰ سال تا امروز مشاهده میکنید، نمادش مردم تهرانند. یک جاهایی فقط تهران وارد شده است، یک جاهایی دیگران هم وارد شدند، [اولی] تهران پیشرو بوده است، پیشگام بوده است. اینها خیلی مهم است؛ شناسنامه‌ی یک شهر را این‌جوری باید تنظیم کرد؛ کارنامه‌ی یک شهر را این‌جور باید فهمید و دید.

اغلب این قضایایی که عرض کردیم، مربوط به قبل از انقلاب اسلامی است. در قضایای انقلاب اسلامی، البته شهرهای مختلف نقش‌آفرینی‌های مهمّی کردند — مثل قم، مثل تبریز، مثل اصفهان، مثل مشهد — لکن اولاً در همه‌ی این قضایا تهران جزو پیشگامان بود، بعد هم در آن نقطه‌ی تعیین‌کننده، یعنی سال ۵۷ که نهضت تبدیل شد به انقلاب، اینجا دیگر هرچه بود تهران بود و الهام‌بخش همه‌ی کشور مردم تهران بودند. در سال ۵۷، شما نماز عید [فطر] قیطریه را در نظر بگیرید که با تدبیر مرحوم شهید بهشتی و مانند او، آن نماز عید راه افتاد — و شهید



ملّی و اسلامی در آن انجام گرفته. در دوره‌ی پهلوی‌ها — البته قبل از پهلوی‌ها هم بود که من بعداً اشاره میکنم — سعی شد که تهران یک نسخه‌بدلی از شهرهای اروپایی بشود، البته منهای پیشرفته‌ها؛ از لحاظ رهاشدگی و لاابالیگری جنسی بگیرید، تا افزایش روزه‌روز فروشگاه‌های مشروبات الکلی، تا وضع پوشش و آرایش زن و مرد، تا کاباره‌ها و کافه‌های آن‌چنانی، تا مراکز جمعیتی فاسد و مفسدی مثل کاخ جوانان آن روز؛ اصلاً تهران مرکز یک چنین فعالیت‌هایی از سوی دستگاه‌ها بود. دستگاہ‌ها این کار را با جدّیت هدایت میکردند و دنبال میکردند که این کار انجام بگیرد و تهران را با این چیزها متمایز کنند؛ این تلاشی بود که در تهران انجام میگرفت و در هیچ شهر دیگری انجام نمیگرفت. حالا مثلاً در جشن هنر شیراز، یک کارهایی انجام گرفت، اما یک مقطعی بود؛ در تهران، مستمراً این کارها انجام میگرفت، اما آنچه آنها میخواستند نشد. آنها میخواستند هویت دینی راه، هویت اسلامی راه، هویت مذهبی راه، هویت ملّی را از تهران بگیرند و [آن را] تبدیل کنند به یک چنین نسخه‌ی معیوب یا رونوشت غلطی از شهرهای اروپایی، اما آنچه آنها میخواستند نشد.

چطور نشد؟ بله، مظاهر غلط غربی در یک جاهایی در تهران رواج پیدا کرد — ما از نزدیک دیده بودیم، وضع تهران را میدانستیم — اما متقابلاً کارهایی که در جهت فکر اسلامی و معنوی و مذهبی در تهران انجام گرفت، در هیچ شهری از شهرهای کشور انجام نگرفت؛ جریانِ فعالِ مذهبیِ روشن‌بین و روشنفکر و دارای حرف نو، در تهران بیش از همه‌جای کشور رواج پیدا کرد و پیشرفت پیدا کرد: مساجدِ آباد، روحانیتِ مبارز و روشنفکر، مجالس دینیِ پُرجمعیت — البته «پُرجمعیت» نسبت به آن روزها، نه نسبت به امروز که جمعیت ده‌ها برابر بیشتر از آن وقتها در مجالس اجتماع میکنند؛ اما نسبت به آن روزها،

تهران، تا حرکت‌های بسیجی، آن جمعیت صد هزار نفری ورزشگاه آزادی در سال ۶۵ و اجتماعات گوناگون تا امروز، مردم تهران انصافاً سنگ تمام گذاشته‌اند. بنابراین، یادبود شهدای تهران باید همراه باشد با تدوین شناسنامه‌ی انقلابی تهران، مثل دیگر شهرها؛ یعنی این شناسنامه‌ی انقلابی تهران باید برای جوانها روشن بشود. اغلب شماها که اینجا هستید این حوادث را ندیده‌اید، ماها هم در تدوین این حوادث کم‌کاری داشتیم، خیلی‌ها از آنچه اتفاق افتاده خبر هم ندارند. اینها بایستی تبیین بشود. در کنار یادبود بلندقامتان شهید — که چهره‌های اینها مثل نور میدرخشد و روشن میکند زندگی را و دلها را — باید یاد تلاشها و فعالیت‌های عموم مردم هم تبیین بشود و بیان بشود. حالا این در مورد تهران.

یک کلمه در مورد شهیدان عرض بکنیم. درباره‌ی شهیدان، سخنان پرمغز و گهربار زیادی از ائمه‌ی هدی [علیهم السلام]، بعد هم از بزرگان، بزرگان انقلاب، امام بزرگوار و دیگران گفته شده؛ درباره‌ی شهیدان خیلی صحبت شده، [اما] در رأس همه، فرمایش قرآن کریم و پروردگار متعال درباره‌ی شهدا است که قابل مقایسه‌ی با هیچ بیان دیگری نیست. اینکه میفرماید «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ»، «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ» [یعنی] خدا معامله میکند؛ این چیز خیلی مهمی است. بنده کجا، خدا کجا! آن وقت، خدا معامله میکند! جان ما را با بزرگ‌ترین هدیه‌ای که میتواند به یک انسان داده بشود، یعنی بهشت — بهشت رضای الهی — عوض میکند. بعد هم این جور تصریح میکند که «يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، بروند در راه خدا مبارزه کنند، بجنگند، «فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ». مخصوص دوران اسلام هم نیست: وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ؛ (۳) در تورات هم

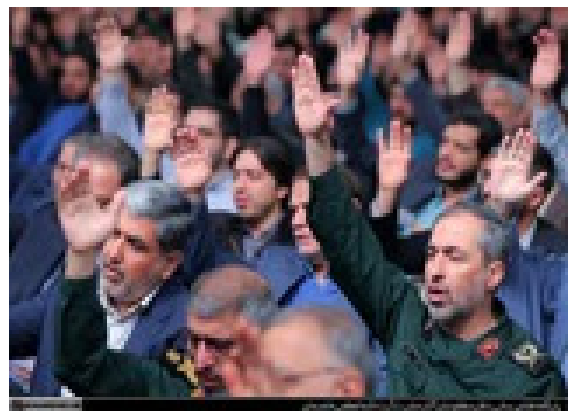
مجالس تهران جزو پُرجمعیت‌ترین مجالس بود؛ هم مجالس عزاداری‌اش، هم مجالس گوناگون مذهبی‌اش — گفتارهای مذهبی تحوّل‌آفرین در بخشهای مختلف تهران؛ اسلام سیاسی‌ای که در سخنرانی‌ها و در منابر گوناگون در تهران، در مساجد مختلف یا در هیئتهای مذهبی مختلف ترویج میشد؛ نمودارهای مذهبی‌ای که برای جوانها جذّاب بود؛ در هیئتهایی که در خانه‌ها تشکیل میشد — این [مطلبی] که عرض میکنم، اطلاعات نزدیک من است که به چشم خودم دیدم — در هیئتهای مذهبی خانه‌به‌خانه، جوان دانشگاهی شرکت میکرد؛ از کلاسش میزد برای اینکه بتواند در این هیئت شرکت بکند. یک چنین وضعیتی در تهران وجود داشت که این، درست نقطه‌ی مقابل آن وضعیتی بود که دستگاه منحرف پهلوی‌ها میخواستند در ایران و بخصوص در تهران که پایتخت بود، به وجود بیاورند.

لذا سال ۵۷، تهران الهام‌بخش دیگر شهرها شد؛ هم در راه‌پیمایی‌ها، هم در تولید شعارها. این شعارهای هماهنگی که میدیدید در همه‌جای کشور پخش میشد، از تهران الهام داده میشد. این تکبیر روی پشت بام را تهرانی‌ها ابتکار کردند و به جاهای دیگر خبر دادند. بنده خودم در مشهد نشسته بودم، شب یکی از دوستان تهرانی که جزو مبارزین بود — خدا رحمتش کند — تلفن کرد گفت «بشنو»؛ تلفن را گرفت به سمت صدا، من دیدم صدای «الله اکبر» می‌آید؛ گفت [شما هم] «الله اکبر» بگویید، بنده هم با بچه‌هایمان — کوچک بودند — رفتیم بالای پشت بام و شروع کردیم «الله اکبر» گفتن. این چیزها از تهران منتشر میشد در همه‌ی اطراف کشور. بعد از شروع نهضت هم تا پیروزی انقلاب همین جور بود؛ از مسائل پانزدهم خرداد، هفدهم شهریور، فتنه‌ی منافقین در سی‌ام خرداد سال ۶۰، نمازجمعه‌های تکان‌دهنده‌ی

همین جور است، در انجیل هم همین جور است. این آیه‌ای که این قاری عزیزمان تلاوت کردند — وَ كَايِنِ مِنَ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ (۴) — [نشان میدهد که] این قضیه مال همه‌ی انبیا است. یا آن آیه‌ی شریفه‌ی «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ»؛ (۵) اینها بیانات درباره‌ی شهدا است و درباره‌ی فضیلت شهادت، بیانی بالاتر از اینها وجود ندارد؛ انسان چه بگوید؟



من فقط یک نکته را عرض میکنم و آن، اینکه شهدا همه رتبه‌ی عالی‌ای دارند، منتها رتبه‌ی شهدا یکسان نیست؛ مثلاً شهدای کربلا از همه‌ی شهدا بالاترند؛ درباره‌ی بعضی از شهدا، در کلمات ائمه (علیهم السلام) نقل شده که اینها در روز قیامت، از روی دوش دیگر شهدا عبور میکنند میروند بهشت؛ درباره‌ی بعضی از شهدا گفته شده است که اینها هر یکی‌شان اجر دو شهید دارد، [اجرش] مضاعف است. پس شهدا یک‌جور نیستند؛ ارزش شهید، با تفاوت هدفها، با تفاوت نحوه‌ی شهادتها، تفاوت پیدا میکند. من میخواهم عرض بکنم انواع شهادتی که در انقلاب اسلامی شهید شدند — مجموع شهدا؛ چه آن شهادتی که در حوادث انقلاب شهید شدند، چه آن شهادتی که در فتنه‌ها شهید شدند، چه آن شهادتی که در باب امنیت یا سلامت شهید شدند، چه شهادتی که در دفاع از حرم شهید شدند — اینها جزو برترین‌ها هستند، جزو شهدای برتر نزد خداوند متعال محسوب میشوند؛ چرا؟ برای خاطر اینکه اینها از یک جریان دفاع کردند و در یک حادثه‌ای به شهادت رسیدند که این حادثه در رأس بسیاری از حوادث دوران اسلام و دوران همه‌ی ادیان است؛ و آن چیست؟ آن، حادثه‌ی نجات کشور اسلامی و نجات دنیای اسلام از وابستگی و اضمحلال و ذوب شدن در فرهنگ کفر و



بشوند؛ مستقیم وارد شدند و رضاخان را که یک روزی جزو قزاقهای محافظ سفارت انگلیس بوده — او را از آنجا می‌شناختند — برداشتند آوردند بزرگش کردند، بلندش کردند، به او قدرت دادند، اطرافش یک تعدادی روشنفکر وابسته را نشانند و کاشتند و این وضعی را که در دوره‌ی رضاخان پیش آمد — ضدیت با دین، ضدیت با اسلام، ضدیت با استقلال، ضدیت با حجاب، ضدیت با مجالس عزاداری، ضدیت با روحانیت — راه انداختند. در دوره‌ی رضاخان یک جور، در دوره‌ی بعد از رضاخان هم یک جور دیگر؛ حرکت این بود.

واقعاً خدا به ملت ایران رحم کرد که این انقلاب رخ داد؛ و آلا با آن وضعی که اینها داشتند پیش میرفتند، وضع کشور ما خیلی خیلی بدتر از همه‌ی کشورهای وابسته‌ای که ما می‌شناسیم میشد. انقلاب آمد جلوی این را گرفت؛ انقلاب اسلامی، با یک اقدام قاطع، جلوی این حرکت به سمت سقوط مطلق را گرفت و کشور را نجات داد. مبارزه‌ای که با (۷) انقلاب انجام گرفت مبارزه‌ی هویتی بود، مبارزه‌ی موجودیتی بود؛ هویت ملت ایران، موجودیت ملت ایران، تاریخ ملت ایران داشت نابود میشد و جلویش گرفته شد. اینهایی که در این راه کشته شدند، در این راه کشته شده‌اند؛ آنهایی که در انقلاب اسلامی شهید شدند — به هر نوع شهادتی — در این راه شهید شده‌اند، این جور به شهادت رسیده‌اند؛ این چیز کوچکی نیست.

بنابراین، شهدای ما جزو برترین‌ها هستند. ۲۴ هزار شهید در تهران! البته سالها پیش برای [شهدای] استان تهران هم بزرگداشتی گرفته شد، ۳۶ هزار شهید مال استان تهران است و شهدای دیگر جاهای کشور. چه شهدای جنگ تحمیلی، چه دفاع از حرم و چه بقیه‌ی شهدایی که اسم بردیم، همه جزو برترین شهدا هستند. خون این شهیدان توانست ثبات این انقلاب را تضمین کند. من بارها گفته‌ام که شهیدان، امروز هم ما را در این راه نگه

فرهنگ استکبار است که این اتفاق در انقلاب اسلامی رخ داد. انقلاب اسلامی، در درجه‌ی اول، ایران را از حل شدن و ذوب شدن و هضم شدن در فرهنگ کفر و استکبار — که همان فرهنگ غربی است — خارج کرد و نجات داد، بعد هم تأثیراتش در دنیای اسلام را شما دارید مشاهده میکنید. ما البته به هیچ‌کس دستورالعمل نداده‌ایم، [بلکه] تأثیر انقلاب این است. بنده بارها گفته‌ام (۶) انقلاب مثل هوای بهاری است، مثل هوای خوش است، نمیشود جلویش را گرفت؛ در هوای لطیف بهاری، هوای خوش و بوی گل از داخل بوستان بیرون می‌آید و در جاهای دیگر پخش میشود، جلویش را نمیشود گرفت. لازم هم نیست که کسی بخواهد آن هوا را صادر کند، [بلکه] به طور طبیعی صادر میشود. امروز شما دارید نشانه‌هایش را در دنیای اسلام مشاهده میکنید.

هضم شدن و حل شدن در فرهنگ کفر و استکبار، قبل از پهلوی‌ها شروع شد، از دوران قاجار شروع شد، شروع‌کننده هم همین وابستگان دربار و پادشاهان و شاهزاده‌های فاسد و مفت‌خور و تنبل و بیکاره و فاسدالاخلاق بودند؛ اینها فرهنگ غربی را گرفتند و با نفوذی که در جامعه داشتند — یعنی نفوذ مالی و قدرتی و پولی و مانند اینها — بتدریج [آن را] در بین مردم رایج کردند. نوبت به پهلوی‌ها که رسید، به اوج رساندند این فساد را، این بیماری مسری را، برای اینکه بتوانند کشور را به معنای واقعی کلمه به قدرتهای غربی وابسته و آویزان بکنند. انگلیس‌ها از مدتها قبل وارد ایران شده بودند، زمینه‌چینی کرده بودند، کارهایی انجام میدادند، بعد دیدند نمیشود. حالا کسانی که با تاریخ آشنا هستند، میدانند من چه می‌گویم. قرارداد وثوق‌الدوله فروش ایران بود؛ مرحوم مدرّس قرص و محکم ایستاد و نگذاشت، دیدند نمیشود، قرارداد را باطل کردند؛ یا قرارداد تنباکو یک جور دیگر، و امثال اینها. دیدند این‌جوری نمیشود، باید مستقیم وارد

شرطش زنده ماندن من و شما نیست، اما پیروزی قطعی است. ان شاء الله خدای متعال این پیروزی را به همه‌ی امت اسلامی، در آینده‌ی نه چندان دوری، نشان خواهد داد و دلها را خرسند خواهد کرد و ملت فلسطین را و مردم مظلوم غزه را هم در رأس همه‌ی اینها ان شاء الله خرسند و خوشحال خواهد کرد. امیدواریم خداوند متعال این دعا را مستجاب کند و ما را در این ماه مبارک رجب، ماه دعا، ماه استغفار، هرچه بیشتر آماده‌ی برای تجلی انوار الهی در دل‌هایمان قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، سردار سرتیپ حسن حسن‌زاده (فرمانده سپاه محمدرسول الله تهران و دبیر کنگره) گزارشی ارائه کرد

(۲) پُر، مملو

(۳) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۱۱؛ «در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. [این] به عنوان وعده‌ی حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده‌ی او است ...»

(۴) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۴۶؛ «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند ...»
(۵) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۹؛ «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

(۶) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان (۱۴۰۱/۹/۵)

(۷) توسط

(۸) سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۱۲۸؛ «در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته‌اند و [با] کسانی [است] که آنها نیکوکارند.»

داشته‌اند. یک مقدار که سست شدیم، نام یک شهید، حرکت یک شهید، قیام یک شهید، شهادت یک شهید دوباره ما را سرپا کرد، سرحال کرد. وقتی شهید سلیمانی شهید میشود، ملت را تجدید قوا میکند، انقلاب را دوباره زنده میکند. بنابراین، کاری که شما کردید — بزرگداشت شهدا — کار بزرگی است، کار مهمی است و این بزرگداشتها باید بتواند راهی را که شهدا رفته‌اند هموار کند و تداوم این راه را برای جوانهای ما، برای نسلهای نوبه‌نویی که در میدان حاضر میشوند، تضمین کند.

یک جمله در مورد مسئله‌ی بسیار مهم غزه عرض بکنم. مسئولان کشورهای اسلامی گاهی اجتماع میکنند حرفی میزنند، گاهی مصاحبه‌ای میکنند یک چیزی میگویند، [اما] کاری که باید بکنند انجام نمیگیرد. اعلان میکنند که باید آتش‌بس انجام بگیرد؛ خب آتش‌بس دست شما که نیست، آتش‌بس دست آن خبیث است، دست آن دشمن است، و نمیکند. شما می‌نشینید چیزی را تصویب میکنید که در اختیار شما نیست. چیزهایی هست که در اختیار شما است، آنها را تصویب نمیکنید؛ آن چیست؟ قطع شریانه‌های حیاتی رژیم صهیونیستی؛ این در اختیار شما است. شما میتوانید کمک نکنید، پشتیبانی نکنید، ارتباط سیاسی و اقتصادی را قطع کنید؛ این کارها را میتوانید بکنید. این، آن دشمن را تضعیف خواهد کرد، او را از میدان خارج خواهد کرد؛ این کار دست شما است؛ این را تصویب کنید. متعرض این نمیشوند، یک چیزی را تصویب میکنند که در اختیارشان نیست!

ولی در عین حال، با همه‌ی اینها، همان‌طور که خدای متعال فرموده: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ؛ (۸) خدا با مردم مؤمن است؛ هر جا خدا باشد، پیروزی هست. البته سختی‌ها وجود دارد. خدای متعال درباره‌ی پیغمبر هم میگوید اگر ما تو را زنده نگه داریم یا از دار دنیا ببریم، عاقبت دشمنان این خواهد شد؛

وی ضمن خوش آمد گویی به همه حاضران در سالن بیان کرد: امسال یکی از پرشورترین دوره‌های جشنواره فیلم فجر را گذراندیم و حالا به آیین اختتامیه این رویداد رسیده‌ایم. انشالله که شب خوبی باشد و به همه خوش بگذرد. امروز چهل و پنجمین جشن سالگرد جمهوری اسلامی است و ما همچنان پای عهد و پیمان خودمان ایستاده‌ایم. با هم مروری داریم بر خاطره انگیزترین روزهای بهمن سال ۵۷.

در ادامه کلیپی از تصاویر خاطره‌انگیز بهمن ۱۳۵۷ پخش شد.

مجری برنامه مطرح کرد: طی ۱۰ روز گذشته سینماهای متعددی در ایران ۳۳ فیلم حاضر در این جشنواره را به نمایش گذاشتند. در برج میلاد نیز فیلم‌های بخش ملی و بین‌الملل اکران شدند. رسانه‌های ما پرشورتر از همیشه این رویداد را دنبال می‌کردند. یک اتفاق شورانگیز دیگر پخش مسابقات فوتبال تیم ملی ایران در همین سالن بود.

شهیدی‌فرد ادامه داد: این جشنواره با این وسعت که فیلمسازانی از ۷۰ کشور در آن حضور داشتند، حامیان مالی هم داشت. در ابتدای این مراسم از حامی اصلی جشنواره یعنی بانک ملی ایران یاد می‌کنم.

در ادامه صحبت‌های شهیدی‌فرد، ویدیویی از بانک ملی ایران (اسپانسر جشنواره) پخش شد.

شهیدی‌فرد تصریح کرد: امیدواریم همچنان نهادهای مالی کشور در قبال فرهنگ و هنر این سرزمین فعال

اختتامیه چهل و دومین جشنواره فیلم فجر



به گزارش ستاد خبری چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، آیین اختتامیه چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر عصر یکشنبه ۲۲ بهمن ماه، با حضور صاحبان آثار، سینماگران، مدیران و اهالی رسانه در سالن همایش‌های برج میلاد برگزار شد.

این مراسم با پخش سرود جمهوری اسلامی ایرانی و قرائت آیاتی از قرآن کریم آغاز شد.

پس از آن کلیپی از فیلم‌های ماندگار سینمای ایران که توسط هوش مصنوعی ساخته شده بود، برای حاضران پخش شد.

سپس محمدرضا شهیدی‌فرد مجری آیین اختتامیه روی سن آمد و گفت: حلول ماه مبارک شعبان را تبریک می‌گوییم؛ ماهی که جان‌های ما با این همه ولادت تازه می‌شود و زمین و زمان در شرف و سرور هستند. همه این ولادت‌ها بر همه مبارک باشد.

تروریستی کرمان و شهدای مظلوم غزه را گرامی می‌دارم.

به پایان ده روز خاطره انگیز و پر شور رسیدیم و پرونده چهل و دومین جشنواره فیلم فجر بسته شد. پیش از آغاز مراسم اختتامیه، از مسیری سخن می‌گویم که در کنار شما طی کردیم. در بخش ملی، در رقابتی نفسگیر و پر تب و تاب، ۳۳ فیلم اکران شد. با حضور سینماگران و نمایندگان رسانه‌ها، نشست‌های نقد و بررسی پرچالشی داشتیم و بازار انتقاد و گاه گلایه، گرم بود. در بخش نگاه نو، که یکی از جذاب‌ترین بخش‌های هر دوره و محل ظهور و بروز سینماگران جوان است، آثاری روی پرده رفت که امیدوارکننده و نویدبخش حضور نسل جوان است. توجه به بخش نگاه نو در این دوره، به دلیل افزایش تولید فیلم‌های اول بود، آثاری که همه آنها بخت حضور در جشنواره را نداشتند، اما سعی کردیم در حد توان، زمینه دیده شدنشان در مهم‌ترین رویداد سینمایی ایران را فراهم کنیم.

مفتخرم که جشنواره امسال، تصویری از قهرمانان ملی‌مان، شهیدان بزرگوار، احمد کاظمی، علی اکبر شیروودی و مهدی زین‌الدین به یادگار گذاشت و خاطرات سال‌های حماسه را زنده کرد. هر روز جشنواره‌ی چهل و دوم را به یاد هنرمندان عزیز از دست رفته، نامگذاری کردیم و به بزرگانی ادای احترام کردیم که نامشان با تاریخ سینمای انقلاب اسلامی گره خورده است.

گمان می‌کنم در زمینه تولید محتوا و توجه به مضامین ملی و استراتژیک و تمرکز بر سینمای پرمخاطب، در جشنواره امسال به تعادل رسیده‌ایم و می‌توانیم این تنوع و تکثر و گوناگونی را امتیازی بزرگ برای جشنواره بدانیم. برگزاری اکران‌های پرشور در استان‌ها و سالن‌های مملو



جشنواره یعنی بانک ملی ایران یاد می‌کنم.

در ادامه صحبت‌های شهیدی‌فرد، ویدیویی از بانک ملی ایران (اسپانسر جشنواره) پخش شد.

شهیدی‌فرد تصریح کرد: امیدواریم همچنان نهادهای مالی کشور در قبال فرهنگ و هنر این سرزمین فعال عمل کنند. یک گروه مفصل طی حداقل ۸۰۷ ماه گذشته مشغول بودند تا ما امروز به آیین اختتامیه جشنواره فیلم فجر برسیم. این گروه مفصل تحت هدایت یکی از تهیه‌کنندگان بانگیزه ایران کار خودشان را انجام می‌دادند. این جوان پرشور مجتبی‌امینی است که از ایشان دعوت می‌کنم تا گزارشی از جشنواره این دوره برای ما ارائه کنند.

مجتبی‌امینی با حضور روی سن برج میلاد، متنی را به شرح زیر قرائت کرد:

مهمانان عزیز و هنرمندان گرامی سلام و خیر مقدم عرض می‌کنم.

فرارسیدن سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک می‌گویم و در آغاز سخنانم یاد و خاطره شهدای حادثه

دوستانم در ستاد برگزاری این رویداد که ماهها برای بهتر برگزار شدن جشنواره تلاش کردند، سپاسگزارم. برای خانواده محترم سینمای ایران که در این ده روز، کنار ما بودند، آرزوی سعادت و سربلندی دارم. امینی در پایان سخنان خود از حامیان این دوره از جشنواره، بانک ملی و رویکا قدردانی کرد و گفت: به لطف بانک سینا سه هزار تسهیل خرید کالا به اهالی رسانه داده شده است. این بانک قبول زحمت کرد و به خانواده شهدا و اهالی سینما نیز ۶ هزار تسهیل خرید کالا خواهد داد. در پایان آرزوی سلامتی، نشاط و سلامت برای همگی شما از خداوند منان مسالت می‌نمایم.»

پس از صحبت‌های مجتبی امینی دبیر جشنواره فیلم فجر ۴۲، کلیپ تصویری گزارش دبیرخانه ملی پخش شد.

در ادامه شهیدی‌فرد عنوان کرد: اهدای جوایز را با برگزیدگان بخش بین‌الملل آغاز می‌کنیم. فیلم‌هایی از ۷۰ کشور جهان در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمدند. در همین سالن روسای سازمان سینمایی از ۷ کشور منطقه حضور دارند. همچنین هنرمندان و کارگردانان و کارشناسان سینما در یک هفته گذشته در ایران بودند. بخش بین‌الملل جشنواره در ۴ بخش فیلم‌ها را به داوری گذاشت و اولین بخشی که امشب برگزیدگان خود را خواهد شناخت، بخش بین‌الادیان است.

سپس کلیپی از فیلم‌های این بخش در ادامه پخش شد و از عبدالستار یارار، علی حنون و بهمن حبشی داوورهای بخش بین‌المذاهب دعوت به عمل آمد تا برای اهدای جایزه این بخش روی سن بیایند.

دیپلم افتخار بهترین فیلم این بخش به محمود کلاری

از جمعیت این چشم انداز را مقابل دیدگانمان جان بخشید، که اکران سال پیش رو، گرم و پررونق باشد.

تمرکز دوستان و همراهان رسانه‌ای، در خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برای پوشش رخدادهای و آثار جشنواره امسال، کم نظیر بود. بر خود واجب می‌دانم از این همدلی و همراهی تشکر کنم. امیدوارم شور و حال جشنواره، در اکران ۱۴۰۳ جاری باشد.

در بخش بین‌الملل این دوره، حضور مهمانان، فیلمسازان، اساتید و داوران محترم به بهتر برگزار شدن این بخش انجامید. علاوه بر نمایش فیلم و برگزاری بازار، نشست‌های تخصصی با حضور این دوستان، بر پا شد و مورد توجه قرار گرفت.

در کنار این عزیزان، دوستانی از هیات‌های بلند پایه سیاسی در ایام جشنواره در کنارمان بودند و به ایده‌گسترش روابط بین‌المللی در سینمای ایران، جامعه عمل پوشاندند. این تعامل و برنامه‌های مشترک برای آینده سینمای منطقه را مغتنم می‌دانیم و برای تحقق آن می‌کوشیم.

چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، با همراهی گروهی بزرگ از فعالان حوزه‌های مختلف فرهنگی، مدیریتی و رسانه‌ای، به پایان راه خود رسید. خاطرات باشکوه این دوره جشنواره، تجربه‌ای گرانقدر برای همه ما و سینمای ایران است. از همراهان جشنواره در هیات‌های انتخاب و داوری که مسئولیتی دشوار را بر عهده گرفتند و خستگی‌ناپذیر و حرفه‌ای و منصفانه فیلم دیدند تشکر می‌کنم، از داوران محترم بخش بین‌الملل و همچنین از

برای فیلم «تابستان همان سال» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین فیلم این بخش به داریوش یاری برای فیلم «شور عاشقی» اهدا شد.

مقاومت روی سن آمدند.

دیپلم افتخار این بخش به محمدحسین حقیقت برای فیلم «پرواز ۱۷۵» اهدا شد.



همچنین سیمرغ بلورین این بخش به خیرالله تقیانی پور برای فیلم «قلب رقه» اهدا شد.



در ادامه مجری برنامه در راستای همدردی با مردم غزه گفت: بگذارید برای چند دقیقه‌ای درباره یک اتفاق حیرت‌انگیز صحبت کنیم. در سرزمینی که خیلی از ما دور نیست، در یک گوشه جهان بیش از ۴ ماه شاهد یکی از بزرگ‌ترین فجایع بشری هستیم.

سپس صحبت‌های مجری کلیدی از مردم غزه و این فاجعه بشری پخش شد.



محمدحسین حقیقت پس از دریافت جایزه خود گفت: هر خیری به زندگی من برسد؛ قطعاً از دعای خیر پدر و مادرم است. همیشه در فیلم‌ها وقتی یکی از همکاران اشتباهی مرتکب شود، پدرم به آن‌ها تذکر می‌دهد و این استدلال را دارد که هر کسی ممکن است اشتباه کند اما ما باید مصححت کل فیلم را در نظر بگیریم. عزیزان من به عنوان فرزند کوچک سینما می‌گویم که با هر سلیقه و گرایشی باید بمانیم پای هرچیزی که هستیم و این اشتباهات را به فراموشی بسپاریم.

شهیدی فرد گفت: ما هم برای آزادی فلسطین سال‌هاست که تلاش می‌کنیم و پس از سال ۵۷ اهتمام جدی مردم ایران برای آزادی مردم فلسطین است. بیش از ۴ ماه است که بیشتر از ۲۸ هزار جان بی‌گناه به خاک کشیده شده‌اند. این مساله نشانه مسلم نسل‌کشی و اشغالگری است. ادای احترام می‌کنیم به همه شهدای فلسطین در ماه اخیر. دبیرخانه جشنواره ۴۲ به همین دلیل بخش مقاومت را به نام فلسطین روح و دم نام‌گذاری کرده است.

در ادامه کلیدی از بخش جلوه‌گاه شرق در بخش بین‌الملل

در ادامه شادی زیدان و ولید الدریش داوران بخش

جشنواره امسال پخش شد.

و کلیپی درباره این بخش بین‌الملل برای حضاران پخش شد.

سلمی مصری، احمد مجتبی زمال، کاتسومی یاناگی جیما، عزیز ژامباکیوو و ابوالقاسم طالبی از جمله داوران مسابقه آسیا بخش جلوه‌گاه شرق برای اهدای جوایز روی سن آمدند.

وو لانگ، خوزه ماریا لارا، سرگی دورستووی، کارن آوتیسیان، آندره مورگان و هاتف علیمردانی داوران بخش سینما سعادت برای اهدای جوایز روی سن آمدند. احمدرضا معتمدی به دلیل کسالت در این مراسم حضور نداشت.

در ادامه بخش‌هایی از فیلم «بازمانده» با بازی سلمی مصری برای حضاران پخش شد.

برگزیدگان بخش سینمای سعادت

سیمرغ بلورین بهترین دستاورد هنری این بخش به آنجلوس رالیس برای فیلم «آفرین در عصر سیلاب» اهدا شد.

جوایز بخش بین‌الملل چهل و دومین جشنواره فیلم فجر

برگزیدگان بخش جلوه‌گاه شرق

سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه به آلساندرو باردانی برای فیلم «بهترین قرن زندگی من» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین دستاورد هنری بخش جلوه‌گاه شرق به تاسنیا جمیل بازیگر فیلم «فاطمیما» اهدا شد.

در ادامه ویدیویی از آلساندرو باردانی پخش شد که درباره دریافت این جایزه و حس و حال خود توضیح داده بود. سیمرغ بلورین بهترین کارگردان در این بخش به آلساندرو روخاس و خوان واسکوئز برای فیلم «در بدو ورود» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه این بخش به حسین عامری و نسیم باستانی برای فیلم «ظاهر» اهدا شد.

جایزه ویژه هیات داوران بخش سینمای سعادت به محمود کلاری برای فیلم «تابستان همان سال» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی این بخش به محمدعسگری برای فیلم «آسمان غرب» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین فیلم این بخش به ذوالجار گل پوروداش برای فیلم «رویای خواب زمستانی» اهدا شد.

در ادامه کلیپی از گزارش دبیرخانه بخش بین‌الملل چهل و دومین جشنواره فیلم فجر پخش شد.

در ادامه این مراسم نوبت به بخش سینمای سعادت رسید

••••• @totayar.ir اینستاگرام @sayes_man

••••• @totayar سروش و ایتا و آی گپ

••••• تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

••••• www.totayar.ir

••••• www.sayesman.ir

بحث معیشت و اقتصاد و امنیت شغلی سینماگران که در جلسات مکرر مسایل خود را مطرح کردند. ما همراه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سعی کردیم این مشکلات را برطرف کنیم البته که این مسایل ادامه دارد و سعی داریم که همه آنها را در جلسات متعدد همراه وزیر محترم ارشاد برطرف کنیم.

وی ادامه داد: در دوران کرونا و پسا کرونا و اغتشاشاتی که شکل گرفته بود که سینمای ایران در آستانه تعطیلی قرار گرفت و با تنفس مصنوعی ادامه حیات داد. خوشبختانه در حال حاضر جان گرفته است و امروز شرایط مطلوبی دارد. مخاطبانی که از سینما قهر کرده بودند، فیلم‌های سینمای امسال را دیدند. احیای سینمای ایران با فروش خوبی رقم خورد و برخی از دوستان نقد می‌کنند که چرا جای برخی از آثار خالی بود و من می‌گویم اگر سینما را یک خانواده در نظر بگیریم که پدر آن کرایه خانه را پرداخت نکرده باشد و مادرش بیمار باشد، شما در چنین خانواده‌ای چه می‌کنید؟ آیا در چنین شرایطی برای بچه‌های خانواده شاهنامه می‌خوانید؟

رییس سازمان سینمایی تاکید کرد: برای دوستانی که نقد می‌کنند چرا برخی فیلم‌ها حضور ندارند، باید بگویم که ما باید ابتدا اقتصاد سینما را درست می‌کردیم و در برنامه‌های آتی به مسایل دیگر پردازیم.

خزاعی یادآور شد: در ۴۰ سال گذشته، ۵۷۰ سالن سینما ساخته که به همت دولت ۲۵۰ سالن به آن اضافه شده است. تمام تلاش ما این است که تا پایان دولت سالن‌های سینما را به ۱۰۰۰ سالن برسانیم که جهش خوبی در سینما است.

وی ادامه داد: علی‌رغم اینکه برخی فکر می‌کنند تولیدات

او پس از دریافت جایزه گفت: خیلی ممنونم. من خواهش می‌کنم از تهیه‌کننده فیلم آقای اوجی که اینجا تشریف بیاورند. بدون همراهی ایشان این فیلم ساخته نمی‌شد.



سیمرغ بهترین فیلم در این بخش به استفان کوماندراف برای فیلم «به درس‌های بلاگا» اهدا شد.

سپس ویدیویی از این کارگردان در سالن پخش شد. در ادامه محمد خزاعی رییس سازمان سینمایی همراه با دو دختر خود روی سن حاضر شد و به بیان صحبت‌های خود پرداخت.



وی سخنان خود را با دعای تحویل سال شروع کرد و گفت: سال جدید سینمای ایران را به همه شما عزیزان تبریک می‌گویم. سلام و درود دارم خدمت شما عزیزان حاضر ارجمند. سال گذشته لحظات تلخ و شیرینی برای سینمای ایران رقم خورد؛ تلخ به معنای درگذشت سینماگران بزرگ ایران مثل آقای مهرجویی، خانم پروانه معصومی، آقای آتیلا پسیانی و خاطرات تلخ دیگری مانند

وی در پایان خاطرنشان کرد: در حوزه بین‌الملل نیز اتفاقی که در غزه می‌افتد، بی‌سابقه است و در ۱۰۰ سال اخیر همچنین اتفاقی نداشتیم چرا که بالغ بر ده هزار کودک و خردسال در جنگ نابرابرانه کشته شدند. روز به روز جریان مقاومت ریشه‌دارتر خواهد شد و هر خردسالی که به شهادت می‌رسد، کودکان دیگر وارد میدان می‌شوند. امروز باید سینمای ایران و ۷۰ کشوری که در جشنواره حضور داشتند، برای غزه تصویرسازی کنند و مقاومت مردم فلسطین و غزه را به رخ بکشند. خواهش می‌کنم مردم فلسطین و غزه را یک دقیقه بی‌وقفه تشویق کنید.

شهیدی فرد عنوان کرد: این نکته را ضمن یادآوری صحبت‌های آقای امینی عرض می‌کنم که از طرف آقای امینی ۶ هزار وام ۱۰۰ میلیون تومانی برای اهالی سینما در نظر گرفته شده است.

محمد معتمدی خواننده موسیقی ایرانی مهمان بخش دیگر آیین اختتامیه بود و همراه با گروه نوازندگان به اجرای زنده پرداخت.

شهیدی فرد با ادای احترام به درگذشتگان سینما گفت: ادای احترام داریم به کسانی که سال‌های پیش در همین سالن و روی صندلی‌ها نشسته بودند اما اکنون تنها یادشان با ماست.

در ادامه کلیپی از خاطرات سینمای ایران و درگذشتگان سینمای ایران پخش شد.

در بخش دیگر این مراسم کلیپ مسابقه ملی ایران پخش شد و با پخش این کلیپ اهدای جایزه بخش نگاه ملی آغاز شد که اولین جایزه به جایزه ویژه شهید سردار قاسم سلیمانی تعلق داشت.

سینمای ایران خوابیده است بالغ بر ۴۳۰۰ مستند کوتاه، تله فیلم، فیلم و غیره در سینمای ایران تولید شده است. همچنین سیاه‌نمایی از سینمای ایران رخت بر بسته است اما این به معنای این نیست که ژانرهای مختلف در سینما تقویت نشود، ما به آثار مختلف نیاز داریم. سینما باید خوبی‌ها، زشتی‌ها و پلیدی‌ها را ببیند و امیدوارم شاهد آثار خوبی در سینما باشیم؛ آثاری با رعایت اصول ما و مسائل شرعی. من شعاری مطرح کردم که سازمان سینمایی بر اساس آن پیش می‌رود و از ما نخواهید که آن را نقض کنیم.

رییس سازمان سینمایی بیان کرد: آخرین نکته اگر بخواهیم همدلی در سینمای ایران برجا باشد، باید از دو قطبی بودن در سینما جلوگیری کنیم. درست است که منافع برخی در دو قطبی بودن سینما است اما ما باید تلاش کنیم که این اتفاق نیفتد. بحث دامن زدن به دو قطبی بودن در رسانه‌ها مطرح بود در حالی که باید بخش خصوصی با همکاری بخش دولتی از سینمای ایران حمایت کند.

وی درباره حضور سازمان‌ها و ارگان‌ها در جشنواره فجر ۴۲ مطرح کرد: این بحث به امروز سینمای ایران بر نمی‌گردد. بزرگان زیادی در همین سینمای ایران کار خود را با حمایت نهادها ادامه دادند و امروز چه شده که حضور نهادها را نقد می‌کنند؟ صادقانه از بخش خصوصی، حوزه هنری، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، صدا و سیما و بنیاد سینمایی فارابی... تشکر می‌کنم

خزاعی گفت: ما باید برای اعتلای سینمای قدرتمند، تولید آثار، تصویرسازی درست و پیشرفت کشورمان و همچنین تقویت جامعه و خانواده و امید به آینده همصدا باشیم.

محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد در ادامه این مراسم بیان کرد: حلول ماه شعبان را به شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم. انشالله از وزش رحمت الهی در این ماه مستفیض شویم. آغاز چهل‌وششمین بهار انقلاب اسلامی ایران را تبریک می‌گوییم. انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی است و از نشانه‌های فرهنگی بودن این انقلاب این است که قله رویدادهای فرهنگی _ هنری ما به نام فجر انقلاب نامگذاری شده است و همه برنامه‌های مهم فرهنگی هنری در این ایام برگزار می‌شود.

وی افزود: این افتخار مهم برای اصحاب فرهنگ و هنر این مرزوبوم ثبت و ضبط شده است که در چنین روزهای باشکوهی ملت ایران استقلال، آزادی، عدالت و آرمان‌های خودش را در قامت انقلاب به پیروزی رساند.

اسماعیلی خاطرنشان کرد: من باید برای اتفاق بزرگی که امسال شاهدش بودیم، تشکر کنم. خانواده فرهنگ و هنر پُرونق‌ترین دوره خود را تجربه کرد. از ابتدای سال تا به امروز هیچ روزی در سال بر اصحاب فرهنگ و هنر سپری نشد مگر اینکه یک رویداد باشکوه را تجربه کردند.



محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، زینب سلیمانی فرزند شهید قاسم سلیمانی، محمد خزاعی رییس سازمان سینمایی و مجتبی امینی دبیر جشنواره برای اهدای جایزه نگاه ملی ویژه حاج قاسم سلیمانی روی سن آمدند.

سیمرغ بهترین فیلم از نگاه ملی و جایزه شهید قاسم سلیمانی به حبیب والی‌نژاد تهیه‌کننده فیلم «آسمان غرب» اهدا شد.

والی‌نژاد پس از دریافت این جایزه مطرح کرد: آقای عسگری برای ساخت این فیلم ساعت‌ها نخوایدند و کسالت دیدند. در مسیر بودند تا در مراسم شرکت کنند اما نرسیدند. من از طرف ایشان از شما تشکر می‌کنم. با افتخار این جایزه را دریافت می‌کنیم زیرا درباره کسی فیلم ساختیم که سرباز وطن بود.

دیپلم افتخار گوهرشاد، جایزه ویژه وزیر ارشاد به انسیه شاه‌حسینی برای فیلم «دست ناپیدا» اهدا شد. سیمرغ بلورین گوهرشاد به حبیب‌الله والی‌نژاد برای فیلم «احمد» اهدا شد.

حبیب والی‌نژاد پس از دریافت جایزه از امیرعباس ربیعی دعوت کرد روی سن بیاید و مطرح کرد: برای ساخت فیلم «احمد» تلاش شبانه روزی انجام شد. این فیلم بسیار سخت بود و حمایت‌های زیادی لازم داشت. اگر کمک‌های ویژه نبود قطعا این فیلم ساخته نمی‌شد. من دست آقای ربیعی را می‌بوسم زیرا در سخت‌ترین شرایط کنار من بود تا درباره حاج احمد فیلم بسازیم. شهدا شهید شده‌اند اما اکنون کسانی کنار ما هستند که باید قدر آن‌ها را بدانیم. سردار حاجی‌زاده در تمام مراحل تولید این فیلم کنار ما بودند و از ایشان ممنونم.

شخصیت‌ها، شهرداری تهران، صداوسیما و... تشکر کنم.

وی در پایان گفت: خبر مهمی که امسال با پشتیبانی رییس جمهور و معاون اول تقدیم کردیم، ساخت بزرگترین مجموعه فرهنگی هنری برای خانه جشنواره‌های فجر انقلاب اسلامی بود. ساخت این کار بزرگ در گذر فرهنگی تهران آغاز خواهد شد. امیدواریم که تا جشن پنجاهمین سالگرد انقلاب این مجموعه را تقدیم هنرمندان کنیم. همچنین انشاالله فضای همدلی، همگرایی، امید، اخلاق و معنویت در سینمای ایران اسلامی برپا باشد.

در ادامه کلیپی از فیلم‌های ماندگار سینمای ایران در ۴۰ سال گذشته در سالن پخش شد.

بخش بعدی مراسم اختتامیه به پخش کلیپی از فیلم‌های این دوره از جشنواره و اهدای جوایز بخش ملی ایران اختصاص داشت.

در ادامه طی کلیپی اعضای هیات انتخاب شامل داریوش ارجمند، محمدرضا عباسیان، حسین زندباف، روح‌الله سهرابی، محمدحسین نیرومند، احمد مرادپور و محمدحسین لطیفی معرفی شدند.

در بخش دیگر کلیپ فیلم‌های حاضر در بخش نگاه نو نمایش داده شدند.

محمدهادی کریمی، پوران درخشنده، محمدحسین لطیفی، عبدالحمید قدیریان، شهاب اسفندیاری، مهدی فخیمزاده و بهرام عظیمی هیات داوران بخش ملی برای اهدای جوایز سودای سیمرغ و نگاه نو روی سن آمدند.

وزیر ارشاد افزود: امروز جشن فرهنگ و هنر در کشور عزیز ماست. سینمای ایران همپای همه عرصه‌های فرهنگی _ هنری این روزهای باشکوه را تجربه می‌کند. امسال بیش از هزار و ۱۰۰ میلیارد فروش و نزدیک به ۲۷ میلیون تماشاگر و ساخت نزدیک به ۱۳ سالن سینما داشتیم که این‌ها بخشی از کارنامه پُرافتخار سینماست.

وی بیان کرد: جشنواره فجر امسال از جشنواره‌های قبل به آرمان‌های بزرگ مردم ایران نزدیک‌تر بود. حضور پُرشور پیشکسوتان، فیلم‌اولی‌ها و... روزها و شب‌های باشکوهی را برای جامعه ایرانی رقم زد. جشنواره فیلم فجر امسال در همه استان‌ها برگزار شد و مفاخر بزرگ ایران مورد تجلیل قرار گرفتند. موضوعاتی مانند ملی شدن صنعت نفت، حادثه و جنبش بزرگ ۱۵ خرداد، اتفاق باشکوه کاروان اسرای کربلا، تصویر پزشکان دفاع مقدس، تصویر مفاخر بزرگ فرهنگی و... در فیلم‌های امسال دیده می‌شد.

وی بیان کرد: جشنواره فجر امسال از جشنواره‌های قبل به آرمان‌های بزرگ مردم ایران نزدیک‌تر بود. حضور پُرشور پیشکسوتان، فیلم‌اولی‌ها و... روزها و شب‌های باشکوهی را برای جامعه ایرانی رقم زد. جشنواره فیلم فجر امسال در همه استان‌ها برگزار شد و مفاخر بزرگ ایران مورد تجلیل قرار گرفتند. موضوعاتی مانند ملی شدن صنعت نفت، حادثه و جنبش بزرگ ۱۵ خرداد، اتفاق باشکوه کاروان اسرای کربلا، تصویر پزشکان دفاع مقدس، تصویر مفاخر بزرگ فرهنگی و... در فیلم‌های امسال دیده می‌شد.

اسماعیلی خاطرنشان کرد: جا دارد در اینجا از هیات انتخاب و هیات داوری و همه تهیه‌کنندگان، نهادها،

برگزیدگان بخش نگاه نو

سیمرغ بلورین جایزه ویژه هیات داوران فیلم اولی به علی طاهر فر برای فیلم «آپاراتچی» اهدا شد.

او پس از دریافت جایزه گفت: من از کسی تشکر نمی‌کنم. تصویر دست خونی در دهه فجر برای همه ما ماندگار شده است. بدانیم که اگر دستی امروز سیمرغی بالا می‌برد به خاطر دست‌های خونی است که در بهمن ماه بالا رفتند.

سیمرغ بلورین بهترین کارگردان بخش نگاه نو به جواد عزتی برای فیلم «تمساح خونی» اهدا شد.

جواد عزتی پس از دریافت جایزه بیان کرد: از هیات داوران ممنونم. بدیهی است که جای سامان لطفیان مدیر فیلمبرداری و عباس جمشیدی فر را خالی کنم که در جمع ما نیستند. ترجیح می‌دادم این جایزه را در سمت بازیگری بگیرم اما قسمت نشد. در چندسال پایانی زندگی پدرم خیلی تلاش کردم و بهترین بازی‌های زندگی‌ام را انجام دادم که این صحنه را ببینند اما نشد.

سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به عطاء پناهی برای تهیه‌کنندگی فیلم «پرویزخان» اهدا شد.

سیمرغ بلورین و دیپلم افتخار بهترین دستاورد فنی و هنری فیلم اول به رضا کشاورز برای فیلم «باغ کیانوش» اهدا شد.

برگزیدگان بخش سودای سیمرغ

سیمرغ بهترین جلوه‌های ویژه بصری به محمد برادران برای فیلم «احمد» اهدا شد.

حمید رسولیان پس از دریافت جایزه گفت: با افتخار جایزه‌ام را به پدر موشکی ایران سردار حسن تهرانی مقدم تقدیم می‌کنم.

سیمرغ بلورین بهترین چهره‌پردازی به مرتضی کهزادی برای فیلم «احمد» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین طراحی صحنه به کامیاب امین‌عشایی برای فیلم «تابستان همان سال» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین طراحی لباس به مهنوش بیانی برای فیلم «تابستان همان سال» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین صداپردازی به امیر عاشق حسینی برای فیلم «قلب رقه» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین صداگذاری به بهمن اردلان برای فیلم «آسمان غرب» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن به استاد مجید انتظامی برای فیلم «مجنون» اهدا شد.



سیمرغ بلورین بهترین نقش مکمل زن به شبنم قربانی برای فیلم «مجنون» اهدا شد.

هیات داوران ضمن تجلیل از استاد سعید پورصمیمی، سیمرغ بلورین بهترین نقش اصلی مرد به ارسطو خوش‌رزم برای فیلم «صبح اعدام» اهدا شد.

ارسطو خوش‌رزم گفت: در جشنواره‌ای که آقای پورصمیمی، جواد عزتی و کاندید هستند برای من دریافت این جایزه افتخار است. جواد جان من به جای تو این جایزه را به روح پدر بزرگوارت تقدیم می‌کنم.

دیپلم افتخار بهترین نقش اول زن به ساره رشیدی برای فیلم «احمد» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین نقش اول زن به مارال بنی آدم برای فیلم «پروین» اهدا شد.

مارال بنی‌آدم عنوان کرد: به عنوان کوچک‌ترین عضو این خانواده می‌خواهم چیزی بگویم. همیشه دختر امروز، مادر فردا است. ز مادر است میسر بزرگی پسران. این سیمرغ را به تمام زنان تاثیرگذار و مادران کشورم تقدیم می‌کنم.

شهیدی‌فرد از وزیر ارشاد، رییس سازمان سینمایی و دبیر جشنواره برای اهدای جایزه بهترین کارگردانی دعوت کرد تا روی سن بیایند.

سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی به بهروز افخمی برای فیلم «صبح اعدام» اهدا شد.

بهروز افخمی پس از دریافت جایزه خود گفت: قبلاً گفته‌ام

سیمرغ بلورین بهترین تدوین به حسن حسن‌دوست برای فیلم «پرویزخان» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری به کوهیار کلاری برای فیلم «تابستان همان سال» اهدا شد.

شهیدی‌فرد هنگام اهدای این جایزه از محمود کلاری دعوت کرد تا کنار هیات داوران باشد. محمود کلاری بیان کرد: من ۵ سیمرغ در خانه دارم و کوهیار هم از بچگی آن‌ها را در خانه دیده است. باورتان نمی‌شود هیچکدام از آن‌ها به اندازه سیمرغ کوهیار من را خوشحال نکرد.



دیپلم افتخار بهترین فیلم پویانمایی به محمدمهدی مشکوری برای تهیه‌کنندگی «ببعی قهرمان» اهدا شد. دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه به علی ثقفی برای فیلم «پرویزخان» اهدا شد.

سیمرغ بلورین بهترین نقش مکمل مرد به بهزاد خلج برای فیلم «مجنون» اهدا شد.

بهزاد خلج پس از دریافت جایزه گفت: از هیات داوران و عوامل فیلم «مجنون» و «تمساح خونی» تشکر می‌کنم. دست پدر و مادرم را می‌بوسم و این جایزه را به پسرهایم که فرشته‌های زندگی هستند، تقدیم می‌کنم.

دیپلم افتخار بهترین نقش مکمل زن به مهرو نونهالی برای فیلم «تابستان همان سال» اهدا شد.

محمدجواد موحد تهیه‌کننده «باغ کیانوش» گفت: این کار محصول کانون پرورش فکری و باشگاه سوره است. ما برای نوجوانان فیلم ساختیم و در همین سالن وقتی اکران شد همه مخاطبان فیلم را دوست داشتند و ما را تشویق کردند. قهرمان ما متمایز و یک نوجوان بود. حال دلمان را به قهرمانان کودک و نوجوان غزه تقدیم می‌کنم که امروز در سخت‌ترین شرایط هستند. به قهرمانان کودک و نوجوان غزه تقدیم می‌کنم که امروز در سخت‌ترین شرایط هستند.

بزرگی به عقل است نه به سال



سهیلا سادات حسینی: بزرگی انسان‌ها و احترامشان به جایگاه اجتماعی، ثروت، شهرت، مهارت و حتی سن و سال هم نیست. شاید قدیمی‌ها هم برای همین می‌گفتند: «آدم خودش باید احترام خودشو نگه داره». گاهی اوقات افراد یا نهادها بر اساس همان معیارهای ناصحیح شخصی را تکریم می‌کنند اما این کار هم نمی‌تواند انسان‌ها را بزرگ کند؛ زیرا لباس فاخر بزرگی به تنش گریه می‌کند و نمی‌تواند پوشاننده‌ی شخصیت واقعی فرد باشد. این همان اتفاقی است که در افتتاحیه چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر رخ داد و در انتخابی

که کیفیت کار هیات داوران زمان انتخاب نامزدها معلوم می‌شود زیرا سیمرغ‌ها ممکن است با یک‌نظر تغییر کنند. ما دیروز در برنامه «هفت» بررسی می‌کردیم که هیات داوران در کاندیداها چه چیزی را جا انداخته است و چیزی پیدا نکردیم. من پیش از دریافت این جایزه وقتی «صبح اعدام» در ۸ رشته کاندید شد، جایزه‌ام را دریافت کردم. جنبه معنوی این جایزه را به محمدرضا ورزی برای فیلم «پروین» تقدیم می‌کنم.

سیمرغ بلورین بهترین فیلم به عباس نادران برای تهیه‌کنندگی فیلم «مجنون» رسید.

عباس نادران پس از دریافت جایزه گفت: من یک تشکر ویژه از همه عوامل خوب فیلم «مجنون» دارم که با



قلبشان در سخت‌ترین شرایط پای این فیلم ایستادند. این سیمرغ را به ۴ قهرمان ملی کشورم مهدی زین‌الدین، مجید زین‌الدین، شهید شیروودی و احمد کاظمی تقدیم می‌کنم و از شما خواهش می‌کنم این عزیزان را ایستاده تشویق کنید.

جایزه آرمان، جایزه ویژه شهرداری تهران، با حضور امینی دبیر جشنواره، نادری معاون وزیر و رییس خبرگزاری ایرنا، هاشمی جانشین وزیر ارشاد، اسلامی معاون وزیر ارشاد و امین توکلی‌زاده معاون فرهنگی هنری شهرداری

مردم نجم الدین شریعتی؛ گویی بر همگان اعم از آگاه و نا آگاه، متخصص و غیر متخصص واجب گردید که در این خصوص به اظهار نظر بپردازند تا شاید دیده شده و مورد توجه قرار بگیرند.



آگاهان متخصص آنجایی که باید باشند ایستاده اند و به خوبی می دانند این برنامه از بهترین برنامه های مذهبی شادی آور بعد از انقلاب است که تلاش های قابل تقدیری را جهت شاد کردن مردم در روزهایی که ائمه نیز مفرح هستند، می نماید و همچنین به نا آگاهان نیز این پیام را می رساند که اسلام چگونه شاد بودن و شادی کردن را تأیید و ترویج می کند. برنامه ای که نخستین گام را در این راستا برداشته تا الگویی برای برنامه سازی های مذهبی و آیینی دین مبین اسلام گردد.

آنچه در همین زمان دل ها را به درد آورد. عکس العمل های دور از تفکر و تأمل برخی متخصصین نا آگاه و محبوب مردم بود که عجلانه به اظهار نظر بر علیه این برنامه پرداختند و وقتی پیام های متخصصین آگاه و مورد تأیید مردم در میان این برنامه برای اطلاع پخش شد. تازه بیدار گردیده و به اصلاح مواضع خود پرداختند. امری که دور از شأن افرادی با چنین جایگاهی است. این هم امتحانی بود تا بدانند هنوز خیلی راه دارند که به مرحله ی تشخیص راه از بیراه برسند.

بدون تفکر و سطحی تصمیم به بزرگداشت پرویز شیخ طادی گرفته شد. بزرگداشتی که هر چند افتتاحیه را به تنزل کشاند اما باری دیگر ثابت کرد که بودن هر شخصی در فضای فرهنگی و هنری به هیچ وجه دلیل بر اصالت، بزرگی و با فرهنگ بودن وی نیست و او نشان داد که حتی با آداب اجتماعی که مبانی اولیه اش رعایت "هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد" کاملاً بیگانه است البته نباید از این امر نیز غافل شد که چرا کسانی که معیارهای بزرگی را نمی شناسند به جایگاه انتخاب بزرگان تکیه زده اند؟! و این همان راهی است که آدمیان را به ناکجا آباد می برد.

حسینیه معلی و نهروانی دیگر



سهیلا سادات حسینی: با آغاز ماه شعبان و شروع فصل جدیدی از برنامه ی حرفه ای حسینیه معلی مخصوص اعیاد و حضور چهره های برجسته ی عرصه ی مدیحه سرایی و مولودی خوانی اعم از میثم مطیعی، سید مجید بنی فاطمه، سید رضا نریمانی و نزار قطری که محبوب قلوب مردم نیز هستند و همچنین مجری مشهور و مقبول

پنجره ای باز به چهل و دومین جشنواره بین المللی فیلم فجر



سهیلا سادات حسینی: امسال برنامه های پنجره باز از شبکه سلامت، سینما ملت از شبکه تهران، هفت از شبکه نمایش و نقد سینما از طریق شبکه چهار سیما، اخبار و حواشی جشنواره بین المللی فیلم فجر را با نگاه هایی متفاوت برای علاقمندان روایت می کردند. در این میان برنامه ی پنجره باز با محوریت دغدغه ی شبکه اش پنجره ای جدید را به روی مخاطبان گشود.

نگاهی ویژه به افراد کم توان جامعه که سینمای ایران از نبودش رنج می برد. این در حالیست که سینمای جهان با توجه کردن به این قشر از جامعه در هر دو بعد جسمی و روحی فیلم های قابل تقدیر و تأثیرگذاری را معرفی نموده است. برای مثال فیلم امریکایی کُدا که جوایز بهترین فیلم، بهترین نقش مکمل مرد و بهترین فیلمنامه اقتباسی در سال ۲۰۲۲ اسکار را از آن خود نمود. تماشاگرانش را از همان ابتدا وارد دنیای ناشنویان می کند. طوریکه آن ها خود را جزئی از آن می دانند. در جریان فیلم با سختی ها، کاستی ها، نگرانی ها، انتظارات،

غیر متخصصین نا آگاه نیز در همین بیراهه ها به تدریج و تعصب پرداختند که بدانید شأن اسلام به خطر افتاده، این چه حسینییه ای است. رسانه زده و غرب زده شده است و مسائلی از این دست که متأسفانه همین افکار و تعصبات کورکورانه موجب گردیده که اسلام در برخی جاها دینی عقب مانده و همیشه عزادار معرفی گردد. مسلمانان بدون تفکری که از همان صدر اسلام و جنگ صفین به اسلام ضربه زده و نهروان را به راه انداختند. در این میان تکلیف آگاهان غیر متخصص هم کاملاً مشخص است. همیشه در کشورمان دنبال آب گل آلودی می گردند تا بتوانند ماهیگیری نمایند. بنابراین از آبی که متعصبین با نا آگاهی شان گل آلود کرده بودند؛ آگاهانه ماهی گرفتند.

حال کسانی که نمی دانند باید در کدام سمت بایستند. فقط کافی است؛ نگاهی به گذشته بیفکنند و به سخن شهید همت کمی بیندیشند که گفت: "هر موقع در مناطق جنگی راه را گم کردید نگاه کنید آتش دشمن کدام سمت را می کوبد، همان جبهه خودی است." و حالا و در این برهه از زمان که مدعی اند تلویزیون مخاطب ندارد. کوبیدن یک برنامه تلویزیونی مذهبی تا این حد، راهنمای خوبی است برای کسانی که اهل تفکر هستند.

[@totayar.ir](http://www.totayar.ir) اینستاگرام [@sayes_man](http://www.sayes_man)

@totayar **سروش و ایتا و آی گپ**

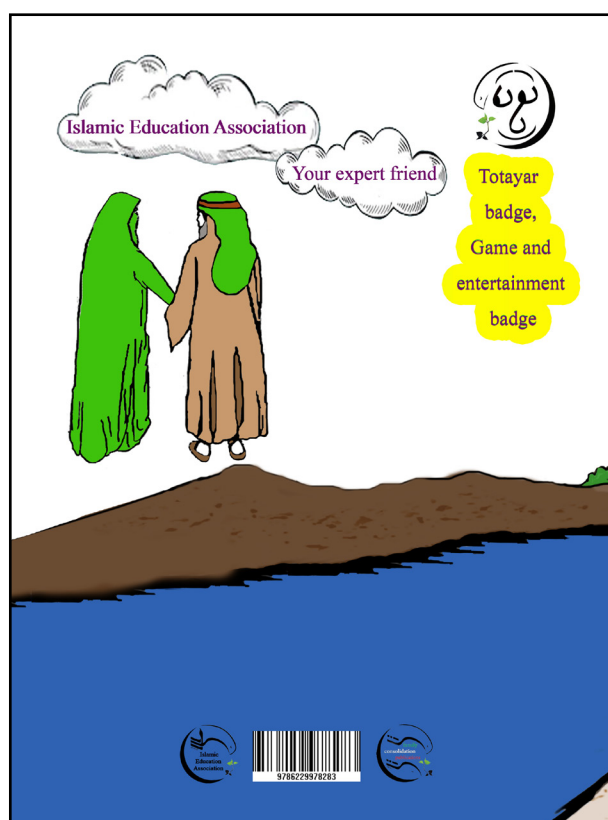
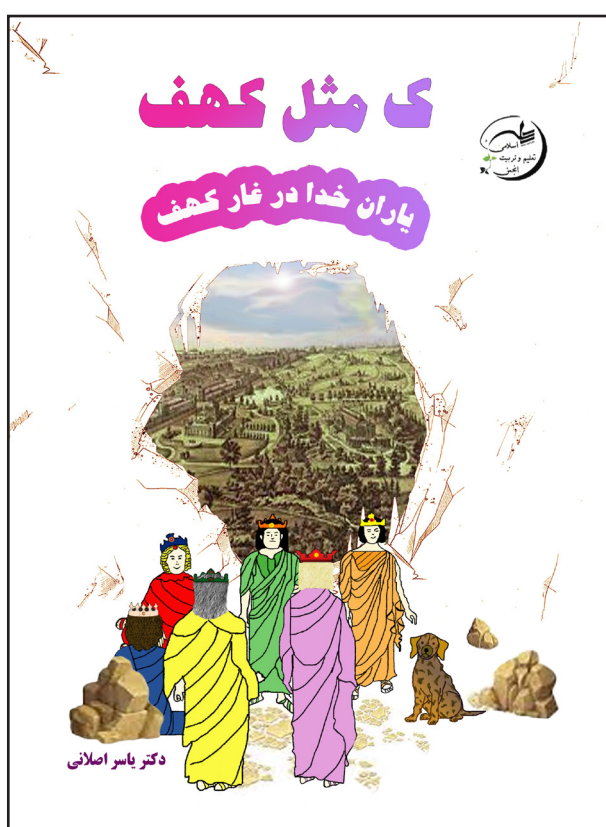
تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

www.totayar.ir

www.sayesman.ir

غم ها، شادی ها و ابعاد مختلفی که ناشنویان در جهان پیرامونشان مواجه اند آشنا می گردند و درکی عمیق نسبت به آن ها پیدا می کنند که بر همراهی شان در جامعه با این افراد می افزاید و قطعاً زندگی را برایشان سهل تر می گرداند.

این همان چیزی است که نگرانی و احساس نیاز به آن در میان سینماگران ایرانی به ندرت دیده می شود و خلأش موجب ایجاد جامعه ای فاصله دار از این افراد گردیده است. سینمایی که می تواند روحی تازه به زندگی شان بدمد. امید است فیلم سازان بدین سمت حرکت نمایند و متولیان امر نیز حمایتشان را دریغ نگردانند.





با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.
 انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن

عروسک پرماجرای من

با صدای مامان از خواب بیدار شدم. هنوز تو فکر حرفهای دیشب مامانم بودم. وقتی ازش خواستم یه عروسک جدید برام بخره ولی او مخالفت کرد. آخه چکار کنم همه ی عروسکهام تکراری شدند. از قیافه و لباساشون خسته شدم.



بعد از خوردن صبحانه کنار پنجره ی اتاقم نشستم و اون عروسکی که به تازگی برام تکراری شده را برداشتم و شروع به بازی کردم. یه کمی که باهاش بازی کردم ازش خسته شدم با خودم فکر کردم چی می شد از هر

عروسکی که خسته می شدم بندازمش دور و یکی جدید بخرم. به نظرم فکر جالبی بود تصمیم گرفتم و عروسک را ول کردم و توی کوچه افتاد. کنار پنجره ایستادم تا ببینم عکس العمل عابران به عروسک من چیه؟ خوب معلومه همگی میگن چه عروسک زشتی حتی ارزش نگاه کردن هم نداره.

اولین کسی که از کوچه رد شد یه آقا بود. دیدید گفتم عروسکم خیلی بده حتی بهش نگاه هم نکرد. البته خودمونیم اون آقا اینقدر سرش توی گوشی موبایل بود

که اگه یه چاه هم جلوش بود اونو نمی دید چه برسه به عروسک من. مدتی گذشت دو تا دختر بچه را دیدم که داشتند از سر کوچه می آمدند. خوش به حالشون اگه منم یه خواهر کوچیک داشتم الان دیگه اینقدر حوصله ام سر نمی رفت. جلوتر که آمدند عروسک من را دیدند با خوشحالی آمدند و عروسکم را برداشتند. خواهر کوچیکه اینقدر ذوق داشت که عروسک را مثل بچه، محکم بغل گرفته بود اما خواهر بزرگه مدتی ایستاد تا ببینه کسی دنبال عروسکش می آید یا نه بعد از گذشت مدتی که از پیدا شدن صاحب عروسک ناامید شدند با کلی ذوق رفتند و توی حیاط خانه شان مشغول بازی با عروسک من شدند.

خیلی خوشحال بودم که از دست عروسکم راحت شدم رفتم و مشغول بازی با بقیه ی عروسکهام شدم. ولی هرچند دقیقه یکبار متوجه جای خالی عروسکم می شدم و غصه می خوردم ولی دوباره به این فکر می کردم که اشکالی نداره مامان برام یه نوشو می خره که جای اونو برام پر می کنه.

مشغول بازی شدم ولی دوباره یادش افتادم. یاد روزی که مامان بزرگم وقتی از سفر برگشت اونو برام آورد. آن شب مامان بزرگ عروسک را روی تخت، کنارم خواباند و برایم قصه گفت تا خوابم ببرد. چند ساعت گذشت از فکرش بیرون نمی آمدم رفتم پیش مامان و ماجرا را برایش تعریف کردم. مامان دختر بچه ها را شناخت و اجازه داد بروم و باهاشون بازی کنم.

وقتی جلوی خونشون رسیدم فهمیدم هنوز توی حیاط هستند. می خواستم عروسکم را ازشون پس بگیرم. در زدم. دختر بزرگه در را باز کرد. من سلام کردم و خودم را معرفی کردم.

کلی با هم بازی کردیم. چقدر خوش گذشت. خیلی با

آموزه های من: رایا و آخرین اژدها در اصلاح امیدوارانه



پویانمایی خیال پردازانه ی امریکایی به کارگردانی پاول بریگز و دین ولینز در سال ۲۰۲۱ تولید شده است و صداگذاری ایرانی با مدیریت مینا مؤمنی تحسین برانگیز است.

در حدود پانصد سال پیش سرزمین آباد و حاصل خیز با مردمانی شاد و خوشبخت به نام کوماندر وجود داشتند که انسان ها در کنار اژدهایان به صورت یکپارچه با قدرت آب و باران و صلح بهشت گونه زندگی می کردند.

در آن زمان یک نیروی سیاهی به نام دورون از راه می رسد. یک آفتی که مانند آتش حیاط را می بلعد و با لمس هر کس نیروی دورون انسان ها را از آن ها را می گیرد و آنان را به سنگ تبدیل می کند.

اژدهایان با تمام وجود برای بقای انسان ها می جنگند. اما کافی برای شکست درون کافی نبود.

آخرین اژدها به نام سیسوی بزرگ تمام قدرت خود و خواهر و برادرانش را درون یک جواهر متمرکز می کند و با آن جواهر نیروی پلید دورون را از بین می برد. و خود درون آب میفتد و بنا بر یک افسانه در انتهای یک

خدایا چطوری بگم که این عروسک منه. کلی با هم بازی کردیم. خوراکی هم خوردیم. تصمیم خودم را گرفتم. می خواهم نگویم که این عروسک مال من است. آخه او نازگل را بیشتر از من دوست داشت و عروسکم هم پیش او شادتر بود.

حالا دیگه دو تا دوست خوب دارم. هروقت دلم برای عروسکم تنگ میشه می روم و باهاشون بازی می کنم. اونها واقعا دوستهای خوبی هستند. الان دیگه واقعا عاشق عروسکم شدم چون باعث شد من دوستهای خوبی پیدا کنم.

راستی یه خبر خوب دیگه. من قراره تا چند ماه دیگه صاحب یه خواهر کوچولوی دوست داشتنی بشم. دیگه اصلا حوصلم سر نمی ره.

خدا خیلی بچه ها را دوست دارد.

خدایا متشکرم.

نویسنده: بهار رازقندی

دوازده ساله از تهران



می شوند، جنگی در میگیرد و جواهر می شکند و به پنج قسمت تبدیل می شود که با این شکستن دورون دوباره زنده می شود و انسان هارا به سنگ تبدیل می کند. پدر رایا تکه ای از جواهر را به رایا می سپارد و او را دورون نجات داده و خود تبدیل به سنگ می شود. آخرین توصیه پدر به رایا این است که انسان ها امید داشته باشد. به او می گوید تو نگهبان جواهر هستی. تکه های جواهر را به هم بچسبان و دورون را نابود کن.



ده سال بعد رایا با حیوان خانگی خود تیک تاک به جستجوی سیسو می رود. او را می یابد و داستان ادامه پیدا می کند و در ادامه داستان به کمک سیسو تکه جواهر را یافته دورون را شکست داده و پدر و سایر انسان های سنگ شده را نجات می دهد و کومانرا مجدد جانی دوباره می بخشد. ...

داستان لحظه به لحظه دارای کنش و جذابیت است. به نحوی که از دیدن چشم خسته نمی شود. زیرا ضمن داشتن جذابیت های بصری و شنیداری، شوخی هایی که سیسو انجام می دهد، خنده را به لب مخاطب می نشاند. اگر این پویانمایی امیدوارانه را با رویکرد اعتماد به انسان که در سرتاسر آن دیده می شود را در کنار لباس های متداول نامتعارفی که در پویا نمایی های غربی به طور معمول دیده می شود، اما در اینجا مشاهده نمی شود؛ را

رودخانه ای به خواب می رود. نیروی دورون از بین می رود و تمام سنگ ها به حالت عادی بر می گردند به غیر از اژدهایان که همچنان در حالت سنگی خود باقی می مانند. تنها چیزی که از سیسو باقی می ماند جواهر اژدهاست. لحظه ی فداکاری سیسو لحظه ای الهام بخش برای همه بود و آدمها بدون توجه به آن لحظه ی با شکوه، شروع جنگیدن برای تصاحب جواهر می کنند. همه با هم دشمن می شوند و جواهر مخفی شد و سرزمین یکپارچه کماندرا که شبیه یک اژدها بود به پنج تکه تقسیم می شود. سرزمین دم و سرزمین پنجه و صحرای ستون فقرات و اقلیم قلب و سرزمین دندان نیش که هر سرزمین نام یک قسمت از بدن اژدها به خود می گیرد تا پانصد سال بعد که داستان رایا از اینجا شروع می شود.

جواهر در اقلیم قلب و در اختیار رئیس نینجا و پدر رایا است. اقلیم قلب سرزمینی آباد و شاد به دور از دشمنی هاست. اما چهار سرزمین دیگر بسیار به اقلیم قلب حسادت می کنند. رئیس نینجا هنوز به یکپارچه شدن کماندرا امید دارد و به همین علت رؤسای چهار سرزمین دیگر رابه ضیافتی برای صلح و دوستی دعوت می کند.

اما ملکه ی سرزمین دندان نیش و دختر نوجوانش نیماری با جلب اعتماد رایا دختر نوجوان رئیس نینجا باعث حمله ی افراد پهار قبیله به مکان نگهداری جواهر



این گونه در سوره ی کهف آیه چهل و ششم بدان اشاره دارد: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا» (۵)؛ (مال و فرزندان، زیور حیات دنیا هست و باقیات الصالحات ارزش های پایدار و شایسته] نزد پروردگارت ثوابش بهتر و امید بخش تر است). در این آیه به هر دو بخش از آرزوها اشاره شده است.



جالب تر این است که در این پویا نمایی امید به پیدا کردن الماس و متمسک شدن به قدرت اژدها برای رسیدن به هدف اتحاد سرزمین هاست. موضوعی است که در نگاه امیدوارانه به کودکان بیاموزیم که وقتی توکل به قدرت بی انتها متوسل شویم چقدر بهتر و والاتر است. نویسنده: فاطمه محمودی

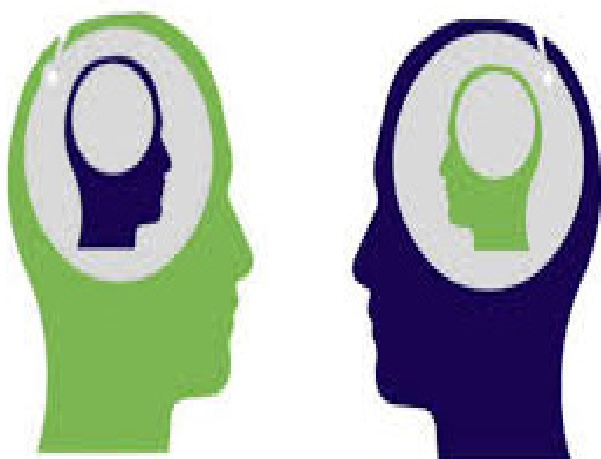


با همان نگاه امید ببینیم به معنای داشتن انتظار مثبت برای رسیدن به هدف و دارای حداقل چهار مؤلفه اصلی: اهداف، باور به اسباب و علل، توکل به خدا و تلاش است. که درس آموز خوبی در جهت تربیت اسلامی و سالم است.

اصل امید نه تنها زشت نیست؛ بلکه نقش بسیار مهمی در حرکت چرخ های زندگی و پیشرفت در جنبه های مادی و معنوی بشر دارد. اگر امید و آرزو در دل مادر نباشد، هرگز فرزندش را شیر نمی دهد و انواع زحمات و سختی ها را برای رشد و پرورش او تحمل نمی نماید. اگر آرزوها متوجه ارزش های والای انسانی باشد و یا جنبه ی مردمی و اجتماعی پیدا کند و در مسیر تکامل و پیشرفت واقعی آدم ها قرار گیرد و او را به تلاش بیشتر در این راه ها وادارد بدون شک چنین آرزویی هر قدر طولانی بوده باشد، نه تنها نشانه ی پستی نخواهد بود که صد البته نشانه ی کمال است.

امید نیروی محرک بشر برای تلاش ها و کوشش هاست و اگر نور پرفروغ امید همراه با آرزوهای نه دور دست در دل انسان روشنی بخش باشد، شادی و نشاط زندگی از او رخت بر نخواهد بست. آنچه که به خاطر زندگی های امروزه بشر را به موجودی سست و بی هدف و بی تلاش مبدل کردن است. ساده تر بگوییم، آرزو یا کاذب است که مانند سراب در بیابان زندگی ظاهر می شود و تشنه کامان را که بیشتر طمعکاران هستند، به دنبال خود می کشاند. چون هر لحظه و هر دقیقه آن ها را تشنه تر می سازند تا از شدت تشنگی هلاک شوند. اما آرزوهای درست و صادق که همیشه سازنده هستند. آبی حیات بخش برای گلستان وجود آدمی اند تا پرثمر گردد.

انسان با آرزوهای صادق هر چه زحمت می کشد نشاط بیشتری پیدا خواهد نمود. همان چیزی است که در قرآن



شما هم احساس می کنید واقعاً می توانید قلب خود را به روی او باز کنید

انسان فهیم وقتی فرصت بد گفتن در مورد دیگری به او داده می شود. قضاوت خود را برای خود نگه می دارد و از انتقادات متکبرانه پرهیز می کند. به عبارت دیگر، خرد این است که از دانش یا قدرت خود به روشی بهتر استفاده کنیم. درک می تواند به شما کمک کند تا در حیطه ی عمل واقعی و منطقی تر باشیم. از آنجایی که این توانایی به کار بردن دانش و خرد در عمل است، به شما کمک می کند صحبت خود را صحیح پیش ببرید و به نتایج واقعی برسید.

درک کنید. در این سطح، فراگیران چیزها را یک قدم جلوتر می برند و شروع به درک و ترکیب اطلاعات از طریق تفسیر، طبقه بندی، استنتاج یا توضیح می کنند.

بر این اساس انواع یادگیری خواهیم داشت. مانند: کتابخانه ای، بصری (فضایی)، فراگیران شنیداری (صوتی)، یادگیرندگان فیزیکی (لمسی). زبان آموزان زبانی (معروف به زبان آموزی) زبان آموزان منطقی (تحلیلی). یادگیرندگان اجتماعی (معروف به زبان آموزی) زبان آموزان انفرادی طبیعی / طبیعت آموز.

به قلم: دکتر یاسر اصلانی

لحظه ای با دکتر:

فهم و درک کردن؟ (۲)

در ادامه مباحث ماه قبل تأکید داریم که معنای ادراک که فهم تجربه ی حسی است را نباید فقط به آگاه بودن خلاصه کنیم. با نگاه کاملی شدن ادراک مسائلی که به واسطه ی آن ما به فهم عناصری که برای بقای ما ضرورت دارند، خواهیم رسید.

پردازش پنج حس بینایی، چشایی، شنوایی، لامسه، بویایی ادراک تعریف میشود. مانند تشخیص چهره ی یکی از دوستان، ادراکی مغزی حاصل از ادراک بینایی در چشم است.

البته مهارت های ادراکی توانایی هایی هستند که به فرد اجازه می دهند که موضوعات پیچیده را درک کنیم و راه های خلاقانه ای بیابیم. در انواع مدیریت خود و دیگران، این مهارت ها ارزش مند هستند، زیرا کسانی که از آن برخوردارند می توانند با مسائل پیچیده بهتر مواجه شوند. درک مهارت ها، مهارتی است که از طریق آموزش یا تجربه که پایین ترین سطح درک هستند، به دست می آید. مهارت درک مفاهیم اساسی، اصول، نظریه ها و غیره.

مهارت، یعنی کاری که می توانید انجام دهید. به زبان ساده تر، اساس جملات «من می توانم انجام دهم» برآمده از مهارت است که در بحث از یادگیری رسمی به راحتی نشان داده و ارزیابی می شود. باید دقت شود که مرز باریکی بین مهارت ها و توانایی ها وجود دارد.

بگذارید مثالی بزنیم. هنگامی که فردی فهمیده باشد و توانایی دانستن احساس دیگران را داشته باشد وقتی اشتباهی کسی انجام دهد، او می تواند آنها را ببخشد. بالعکس این نیز صادق است.



به رنگ هیولای | آقای فرخزاده گشایان و همکارانش فرصت داشتند | با رسیدن آفرین گرامی به آگهی دعوت به حضور آقایان و بانوان و...
 نمودن نام بعضی از دستفروشان بعد از دریافت تمهیدات در بابت راهرو مراجعه فرمایید. این تصویر را در اختیار آقایان و بانوان...
 از سوی هیولای گرامی در تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۳



God will show the victory of the people of Gaza in the not-too-distant future



In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

All praise is due to God, Lord of the Worlds, and peace and greetings be upon our Master and our Prophet, Muhammad, and his untainted, pure, chosen Progeny, particularly the Remnant of God on earth.

I would like to welcome all my dear brothers and sisters. Congratulations on the birth anniversary of the Master of the Pious [Imam Ali (pbuh)] and the birth anniversary of Imam Jawad (pbuh). I would like to pay tribute and respect to the pure souls of martyrs and their honorable families. I would also like to extend my thanks to all those involved in this commemoration and tribute. I saw the exhibition that has been organized by our friends here. The work that has been done is commendable. The points mentioned by our dear brother regarding Tehran, its martyrs, and the families of Tehran's martyrs are completely correct and well-founded. I would also like to share a few words with you about Tehran and the martyrs.

Not much has been said about Tehran. I, and sometimes others, have talked about different cities in the country on different occasions. Unfortunately, little has been said about Tehran despite the fact that Tehran is a representation of many aspects of the Iranian nation. That is how it truly is. Among the Iranian nation's characteristics that became apparent in the events relating to the Revolution are the Iranian nation's courage, zeal, its religiosity, its seeking independence, its fight against the enemy, etc. In my opinion, Tehran epitomizes all of these qualities. Therefore, if we wish to examine these traits within a specific community and based on documentation, we need to study Tehran because all of these attributes may be seen within this city.

Now, the events related to the Revolution are a complete chapter [itself]. I will mention a few words about it. But before the issues and the events of the Revolution in the last 150 years at least — it was the same prior to this era, but I am going to talk mainly about the cases relating to the last century and a half — when we examine these events, we clearly see the eminence of the people of Tehran.

For example, there was the Reuter Concession, a treacherous contract that was stopped by the late Haj Mulla Ali Kani Tehrani, the people's guide. Or there was the tobacco concession and the treasonous Régie contract when the great, supreme cleric of Tehran, the late Mirza Mohammad Hasan Ashtiani, started an uproar in Tehran following Mirza Shirazi's fatwa calling for a boycott. They did something that caused

even the workers and servants working for the Shah's family to break the hookahs, due to the [Mirza Shirazi's] fatwa. So, that was how the people of Tehran supported their scholars.

Or after that, there was the matter of Constitutional Movement. The role of the people of Tehran is often not mentioned when people speak about the case of Constitutional Movement. [Only] the story about giving rice in the [British] embassy and things like that are mentioned, which were less important events. The main issue was the people's demand for a "House of Justice." Tehran's people gathered in a grand mosque and other places. They held meetings and were pursuing a "House of Justice." They put in much effort, they went through much trouble, and they were beaten, but their endeavors ultimately resulted in Constitutional Movement.

Later, when Constitutional Movement was on the brink of becoming deviated — and it did become deviated — the uprising led by the late Sheikh Fazlullah and the people, along with their sit-in protest at Abd al-Aziz al-Hasani's shrine and so forth all stemmed from the efforts of the people of Tehran. There were also the shameful Vosugh al-Dowleh [Anglo-Persian] Agreement, the nationalization of the Iranian oil industry in 1951, the 15th of Khordad [uprising], and the subsequent events from that time up until today. In every important event and significant battle that you see in Iran's history over the past 150 years, the people of Tehran have consistently been emblematic in these events.



At times, Tehran was the only place that became involved. At other times other areas also became involved, [but the people of] Tehran were the pioneers. This is of great significance. That is how the identity of a city should be defined. The record of a city should be understood and examined through this lens.

Most of these cases that I mentioned are related to the period before the Islamic Revolution. During the Islamic Revolution, of course, different cities, such as Qom, Tabriz, Isfahan, and Mashhad played important roles. However, during all of these events, Tehran was among the pioneers. And then at that pivotal point, that is, in 1979 when the movement turned into the Revolution, Tehran was everything at that point. And its people were an inspiration for the entire country.

Consider the Eid [al-Fitr] prayer in Qeytarieh in 1979, which was held due to the forethought of the late Martyr Beheshti and others like him. This prayer, which was led by Martyr Mofatteh, had a profound impact nationwide. We were in Mashhad, but news of the events taking



place in Tehran were spread to other parts [of the country]. And every event that was reflected in other areas would create fervor in those various other areas. That was how Tehran was a pioneer.

[Consider] the Eid al-Fitr prayer in Qeytarieh, the epic on the 17th of Shahrivar in Shohada Square, and the Tasua and Ashura marches. These walks were held in other places too, but they were directed from Tehran. They would contact us in Mashhad from Tehran informing us of upcoming marches during Tasua or Ashura. And then we would organize them there in Mashhad too. [Thus], Tehran played a pioneering role in these events.

In all of these cases, during the same 150 years that I mentioned and also in the events of 1979, religious scholars would take the lead in the front of the crowd. Figures like Haj Mulla Ali Kani, whom I mentioned, the late Mirza Mohammad Hasan Ashtiani, Sheikh Fazlullah Nouri, Martyr Beheshti, Martyr Bahonar, Martyr Mofatteh, and Martyr Motahari were among those who led the way, and people from various backgrounds followed behind them. Even Tehran University served as a place for the ulama's [Islamic scholars]

sit-in protests. We went and sat down and discussed where to hold sit-ins. Several different places were suggested. Someone suggested Tehran University and everyone agreed. We got up and went to Tehran University for a few days until the arrival of Imam Khomeini (ra). In other words, the university helped in this movement, and once again the central and pioneering role was played by the ulama.

The important point here is that these things were done in Tehran, but where is Tehran? What is Tehran? Tehran is the city where the greatest efforts were made to alter the country's national and Islamic identity. During the period of the Pahlavi [regime] — of course this was the case before the Pahlavi era as well, as I will explain later — they attempted to transform Tehran into a replica of European cities, albeit without the advancements. [They tried to emulate European cities] in terms of sexual indulgence and promiscuity, a daily increase in stores selling alcohol, changing men's and women's clothing and makeup, opening extravagant cabarets and cafes, and creating immoral centers like the Youth Palace of that time. Tehran was the center of such activities organized by the authorities.



The authorities took this work seriously and tried to ensure that it was carried out in order to give Tehran a distinctiveness. This endeavor was being carried out in Tehran. It was not done in any other city. Now, for example, some measures were taken at the Shiraz Art Festival, but they were only temporary. In Tehran, these things were done continuously, but what they were seeking did not come about. They aimed to strip Tehran of its religious, Islamic, and national identity and transform it into a flawed imitation of European cities. However, what they were seeking did not come about.

Why not? Indeed, incorrect Western appearances gained popularity in certain areas of Tehran, and we saw this from up close and knew the situation in Tehran. But on the other hand, the work that was done in the direction of improving Islamic, spiritual, and religious thought in Tehran was not done in any of the country's other cities.

In Tehran, the movement of clear-sighted, open-minded religious activists with new ideas gained popularity and spread more extensively than anywhere else in the country. Flourished mosques; open-minded and struggling clerics; crowded religious gatherings — of course, they were “crowded” in comparison to those days, not compared to today, where we see gatherings in which the crowd is tens of times bigger than at that time, but compared to those days, the assemblies in Tehran, both the mourning ceremonies and various other religious gatherings, were among the

most crowded — transformative religious discussions taking place in different areas in Tehran; the political Islam that was promoted in speeches and from various minbars [pulpits] in Tehran, in different mosques, and in different religious heyats [social units and institutions that pivots around love for the Household of the Prophet] were religious forms that appealed to the youth.

In the heyats that were held in people's homes — what I am relating is my own, firsthand observation — young university students would take part in the door-to-door religious heyats. They would skip classes just so they could attend these heyats. This was the kind of situation that existed in Tehran, which was exactly the opposite of the situation that the deviant Pahlavi regime wanted to create in Iran, especially in Tehran, which was the capital.

Thus, in 1979, Tehran became a source of inspiration for other cities, both in terms of protests and in the production of slogans. The synchronized slogans that you saw spreading across the country were inspired by Tehran. The shouts of takbir [Allahu Akbar] from the rooftops were initiated by the people of Tehran and then spread to other places. One night when I was in Mashhad, a friend of mine from Tehran who was among those who were struggling for the movement, may God have mercy on his soul, phoned me and said, “Listen!” He held the phone in the direction the sound was coming from, and I could hear the echoes of “Allahu Akbar!” He then urged me to also say “Allahu Akbar!” So



my children, who were young at the time, and I went up to our rooftop and started shouting, “Allahu Akbar!”

These things originated from Tehran and circulated throughout the country. This remained unchanged after the start of the movement and up until the victory of the Revolution. From the events of the 15th of Khordad, the 17th of Shahrivar, the sedition of the MEK on the 30th of Khordad, 1360 AHS (June 20, 1981), and the greatly influential Friday prayers in Tehran, to the Basiji movements, the crowd of 100,000 people in the Azadi Stadium in 1365 AHS (1986), and the various gatherings that continue up to the present day, the people of Tehran have truly done their best. Therefore, the commemoration of Tehran's martyrs should be accompanied by a compilation of Tehran's revolutionary identification similar to other cities. In other words, this revolutionary ID of Tehran should be communicated to the youth.

Many of those present here did not witness these events. We have also not worked adequately enough with regard to writing about these events. Many people are not

even aware of what took place. These things need to be explained. In addition to commemorating the exalted martyrs — whose faces shine like a light and illuminate people's lives and hearts — the efforts and activities of the general public should also be communicated and clarified. So, that was about Tehran.

I would like to say a few words about the martyrs. About martyrs, many meaningful, important statements have been reported from the Imams of Guidance (pbut), from distinguished figures, from the prominent figures of the Revolution, from the revered Imam [Khomeini], and from others. Many things have been said about the martyrs, but the highest of all these statements are the words of the Holy Quran and Almighty God, which are incomparable to any other source. “Indeed, God has purchased from the believers their lives and their possessions in exchange for Paradise. They fight in the way of God, they kill, and get killed” (9:111). [The phrase] “Indeed, God has purchased” [means] God makes a deal with someone. This is an extraordinary concept as how can any human being be comparable to God? Yet, God makes a deal with us! In exchange for our lives, He gives the greatest gift that can be given to a human being, which is Paradise — the



paradise of God's satisfaction.

And then He also states, "They fight in the way of God." They go and fight in the way of God. "They kill, and get killed." This is not specific to after the coming of Islam either, "It is a promise binding on Him in the Torah, and the Gospel, and the Quran" (Quran 9:111). It is the same in the Torah and the Bible. The verse that was recited by our dear reciter of the Quran, "How many a prophet there has been with whom a multitude of godly men fought?" (Quran 3:146), [shows] this matter is talking about all the prophets. Or there is the noble verse that states, "Do not suppose those who were slain in the way of Allah to be dead; no, they are living and provided for near their Lord" (Quran 3:169). These are statements about the martyrs, and there is no greater statement than these regarding the virtue of martyrdom. What else can a person say?

Now, there is one point I wish to mention, and that is that all the martyrs have excellent ranks but their ranks are not the same. The martyrs of Karbala, for instance, have the highest rank and status. According to the hadiths from the Imams (pbut), it has been narrated that on the Day of Judgement, some martyrs will go to heaven by walking over the shoulders of other martyrs. It has also been narrated that there are some martyrs who will be given the reward of two martyrs. That is, their reward is double.

So, the martyrs are not all the same. The value of martyrs differs based on their goals and on the way they were martyred. I want to say that all the martyrs of the Islamic Revolution are among the best martyrs,

whether they were martyred during the events of the Revolution, in the Sacred Defense, in the seditions, in the field of health and safety, or while defending the Holy Shrines. They are all among the best martyrs in the view of Almighty God.

Why? Because they stood up for a movement and were martyred in a significant event which is at the top of most events in the history of Islam and all other religions. And what is that? It is the event of saving an Islamic country and saving the entire Islamic world from being dependent, from being destroyed, and from melting into the culture of unbelief and arrogance. This event took place in the Islamic Revolution.

The first thing the Islamic Revolution did was that it freed and saved Iran from dissolving, melting, and assimilating into the culture of unbelief and arrogance, which is the Western culture. The impact of this can be seen in the Islamic world today. Of course, we have not told anyone what to do. This is the natural outcome of the Revolution. I have said many times before that the Revolution is like Spring weather, like a pleasant breeze, and it cannot be prevented. In gentle Spring weather, a pleasant breeze and the fragrance of the flowers come out from the parks and spread to other places, and this cannot be stopped. No one needs to send that weather anywhere else, it spreads naturally itself. Today, you are witnessing the effect of this in the Islamic world.

Dissolving and assimilating into the culture of unbelief and arrogance started before the Pahlavi period. It began from the Qajar era, and those who initiated this

were the corrupt, freeloading, lazy, idle, immoral kings, princes, and officials. They embraced Western culture and promoted it among the people with the influence they had on society — that is, the influence of money, power, and the like.

During the reign of the Pahlavis, corruption reached its peak and they spread this contagious disease in order to make the country completely dependent and hanging on Western powers. The British had entered Iran from long before this. They had laid the groundwork and started carrying out some plans, but then they realized that they could not execute them. Those who know history, know what I am talking about. The Vosugh al-Dowleh [Anglo-Persian] Agreement was an agreement to sell Iran. The late Modarres stood firmly and strongly and prevented it. They realized they couldn't succeed, so it was cancelled. The Tobacco Concession is another one of these numerous examples.

They realized that their current approach wouldn't end in success, and this prompted them to consider taking more direct measures. Thus, they took direct action. They brought in Reza Khan, a former officer of the Cossack Brigade responsible for safeguarding the British Embassy. They knew him from there. They raised his position, gave him authority, and assigned a few dependent intellectuals to be around him. This resulted in the circumstances that transpired during Reza Khan's reign: opposing religion, opposing Islam, opposing independence, opposing hijab, opposing mourning ceremonies, and opposing the clergy. They used certain methods during Reza Khan's period, and

other methods after his reign. This was their method of action.

This Revolution was truly a demonstration of God's mercy to the Iranian nation. Had it not taken place, the way things were going, our country would have been in a far worse situation than all the other dependent countries that we know of. The Revolution stopped this from happening. The Islamic Revolution decisively stopped this movement toward absolute collapse. It saved the country. The struggle that took place during the Revolution was a struggle for the nation's identity and existence. The identity, existence, and history of the Iranian nation were about to be destroyed, but the Revolution put an end to that threat.

Those who were killed in this path, were killed in this path. Those who were martyred for the Islamic Revolution, regardless of how they were martyred, were martyred in this path and in this way. This is not a small matter.

Therefore, our martyrs are among the best. In Tehran alone, we have 24,000 martyrs! A few years ago, we held a ceremony to honor the martyrs from Tehran Province, which included 36,000 martyrs from Tehran Province and other parts of the country. The martyrs from the Sacred Defense, the Defenders of the Holy Shrines, and those I previously mentioned are all among the best of the martyrs. It is through their blood that this Revolution found stability. I have said on multiple occasions that the martyrs continue to guide us on this path even today. Whenever we become a bit weak, the mere mention of a martyr's name, their actions, their uprising, or their martyrdom

revives us and gives us strength.

When Martyr Soleimani was martyred, the nation's strength increased and the revolutionary spirit was revived. So, what you have done by holding a commemoration ceremony for the martyrs is a great, important matter. These commemorations should serve as a guiding path for our youth and future generations, allowing them to follow in the footsteps of the martyrs and ensure their ongoing progress in this field.

I would like to say a few words about the very important issue of Gaza. Officials of Islamic countries sometimes hold gatherings and say certain things. They sometimes say something during an interview. They fail to do what needs to be done. They announce, "There should be a ceasefire." Well, the ceasefire is not in your hands. The ceasefire is in the hands of the malicious enemy [the Zionist regime], and they refuse to do it. You sit down and approve something that is not in your control.

There are matters that you have authority over, but you fail to approve them. What things? Cutting off the vital lifeline of the Zionist regime. You have power over that. You can stop helping and supporting [the Zionist regime]. You can cut political and economic relations with them. These are things you can do. These are things that will weaken the enemy and remove them from the picture. This is in your hands. This is what you need to agree on. Agree on this. [But] they [those officials] do not insist on this. They agree on something that is out of their hands.

But even so, regardless of all this, as the Exalted God has stated, "Indeed Allah is with those who are Godward and those who are virtuous" (Quran 16:128). God is with the believers. Wherever God is, there is victory. Of course, there are difficulties. The difficulties are there. With regard to the Prophet (pbuh), Almighty God has said, "If I keep you alive or take you away from this world, such shall be the fate of the enemies." [So] it doesn't depend on whether you and I are alive, but victory is inevitable! God willing, Almighty God will show this victory to the entire Islamic Ummah in the not-too-distant future, and this will bring joy to people's hearts, especially the hearts of the Palestinian nation and the oppressed people of Gaza. I hope Almighty God will answer this prayer and make us more prepared for the manifestation of divine lights in our hearts during this blessed month of Rajab, which is the month of prayer and the month of asking for God's forgiveness.

May God's greetings, mercy, and blessings be upon you.

**sayes
man**

@sayesman

